



نيما النوروزي^١ | السيد مهدي الميرداداشي^٢

١. متخرج في المستوى الثالث بحوزة قم العلمية وعضو الدورة الطويلة لمجمع «محمديه» العالي لتعليم

nima-nrz@motahari.ac.ir

المجتهد المدير و دكتوراه في تخصص الفقه والقانون

٢. أستاذ مشارك، قسم القانون، كلية الحقوق، جامعة المفتوحة الإسلامية، فرع قم، قم، إيران (المؤلف المسؤول)
sa.talebi2025@gmail.com



مواعيد المادة:

تاريخ الاستلام: ٢٠٢٥/٠١/٠٨

تاريخ المراجعة: ٢٠٢٥/٠٢/٠٧

تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠٣/١٢

تاريخ النشر: ٢٠٢٥/٠٤/٢٥



الكلمة الرئيسية:

الخسارة المعنوية،

طرق التعويض،

المسؤولية المدنية المقارنة،

تعويض الخسارة المقارنة،

الضمان الجبري.

خلاصة

يتناول هذا المقال مكانة الضرر المعنوي في الإسلام والنظام القانوني في إيران وفرنسا، ويبيّن أن الإنسان كائن متفوق ومحترم من وجهة نظر الإسلام، وأن الحفاظ على حرمة وشخصيته له أهمية كبيرة. ولما كانت الأضرار المعنوية تؤثر على الأبعاد المعنوية والأخلاقية للإنسان، فقد وضعت الشريعة الإسلامية مبادئ وقواعد مثل "لا ضرر ولا ضرار" وقاعدة نفي المشقة والحرج لمنع الضرر عن الأفراد. في قوانين إيران، تؤكد مبادئ الدستور والقوانين العادبة على حضانة الشخصية والكرامة المعنوية للأفراد وتعترف بضرورة التعويض عن الأضرار المعنوية. وفي الوقت نفسه، ونظراً لصعوبة تحديد القيمة المالية لهذا النوع من الضرر، هناك شكوك في قبول التعويض عن الضرر المعنوي. من خلال تحليل المصادر القانونية لإيران وفرنسا واستناداً إلى دراسة مقارنة، تناول هذا البحث كيفية اعتبار البلدان الأخرى، بما في ذلك فرنسا، الأضرار المعنوية قابلة للتعويض. وعلى وجه الخصوص، يتم اقتراح طرق التعويض غير المادية مثل استعادة الكرامة والاعتذار العلني كطرق أولية، وفي حالة عدم الكفاية، يمكن أيضاً استخدام الطرق المالية. وقد جرت في هذا البحث محاولة لتوضيح الأسس النظرية وطرق التعويض عن الأضرار المعنوية والغموض القانوني في هذا المجال. كما تم تقديم الحلول لتطبيق القوانين وحماية الحقوق الفكرية للأشخاص من التعدي عليها وإنشاء الأطر القانونية المناسبة.



نیما نوروزی^۱ سید مهدی میرداداشی^۲

نوع مقاله:

۱. دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم و عضو دوره بلند مدت مجتمع عالی تربیت مجتهد مدیر

پژوهشی

nima-nrz@motahari.ac.ir

محمدیه و دکتری تخصصی فقه و حقوق خصوصی

۲. دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)
sa.talebi2025@gmail.com



تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۲/۰۵



کلیدواژه:

ضرر معنوی،

روش‌های جبران،

مسئولیت مدنی تطبیقی،

جبران زبان تطبیقی،

ضمان قهری.

چکیده

این مقاله به بررسی جایگاه خسارت معنوی در اسلام و نظام حقوقی ایران و فرانسه پرداخته و نشان می‌دهد که انسان از منظر اسلام موجودی برتر و محترم است که حفظ حرمت و شخصیت او اهمیت بالایی دارد. با توجه به اینکه خسارات معنوی بر ابعاد روحی و اخلاقی انسان اثر می‌گذارد، شریعت اسلام اصول و قواعدی همچون «لاضرر و لااضرار» و قاعده‌ی نفی عسر و حرج را برای جلوگیری از آسیب به اشخاص در نظر گرفته است. در حقوق ایران نیز، اصول قانون اساسی و قوانین عادی بر مصونیت شخصیت و اعتبار معنوی افراد تأکید داشته و به ضرورت جبران خسارات‌های معنوی اذعان دارند. این در حالی است که به دلیل دشواری در تعیین ارزش مالی این نوع خسارات، در پذیرش جبران خسارت معنوی ابهاماتی وجود دارد. این پژوهش با تحلیل منابع حقوقی ایران و فرانسه و بر اساس مطالعه‌ای تطبیقی، بررسی کرده که چگونه کشورهای دیگر، از جمله فرانسه، خسارات معنوی را جبران‌پذیر می‌دانند. به ویژه، روش‌های غیرمادی جبران همچون اعاده حیثیت و عذرخواهی عمومی به عنوان راه‌های ابتدایی پیشنهاد شده و در صورت عدم کفایت، روش‌های مالی نیز ممکن است به کار رود. در این پژوهش تلاش شده تا مبانی تئوریک و شیوه‌های جبران خسارت معنوی تبیین و ابهامات حقوقی در این زمینه روشن شود. همچنین، راهکارهایی برای تطبیق قوانین و حفظ حقوق معنوی افراد در برابر تعدی و ایجاد بسترهای حقوقی مناسب ارائه شده است.

مقدمه

از نظر اسلام، انسان برترین موجود عالم است که خداوند نفس را در او قرارداد و فرشتگان را امر کرده تا بر او سجده کنند. خداوند انسان را به عنوان خلیفه و ولی مخلوقات در زمین برگزیده است. اگر آدمی حرمت خود را حفظ کند و حرکت تکاملی را به درستی طی کند، به جایگاهی می‌رسد که از ملائک هم بالاتر می‌رود و به موقعیتی می‌رسد که در خیال نمی‌گنجد.

انسان با چنین موقعیت و جایگاه ممتازی، هم از نظر سلامت و تمامیت جسمانی و اموال مورد تأکید است و باید از هر گونه تعرض مصون بماند، و هم حفظ حرمت و شخصیت او از جنبه‌های گوناگون در اسلام مورد احترام بوده و بر صیانت آن تأکید شده است. پیامبر عظیم الشان اسلام هدف از بعثت خود را کامل نمودن فضایل اخلاقی عنوان می‌کند که یکی از وجوه آن رعایت حقوق معنوی افراد است.

خسارت منحصر به ضرر مادی نیست، بلکه خسارت معنوی ناشی از جرم، به مهم‌ترین بعد از ابعاد وجود شخصیت انسان که همان بعد معنوی و روحانی باشد، لطمه وارد می‌کند. در حالی که زبان‌های مادی غالباً قابل جبران هستند، به دلیل دشواری اندازه‌گیری زیان معنوی و تقویم آن به پول، در خصوص امکان جبران آن وحدت نظر وجود ندارد.

در نظام حقوقی ایران، نسبت به امکان جبران خسارت‌های معنوی و حدود آن ابهام جدی وجود دارد. اظهار نظرهایی از سوی مراجع قانونی چون شورای نگهبان و شورای عالی قضایی سابق مبنی بر عدم امکان جبران این خسارت به طریق مادی و مغایرت آن با موازین شرعی، این تردید را به وجود آورده که امکان مطالبه‌ی خسارت معنوی وجود ندارد. با این حال، شریعت مقدس اسلام براساس اصول و قواعد کلی از جمله قاعده‌ی «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» و قاعده نفی عسر و حرج، ایراد هر گونه ضرر و خسارت را به اشخاص، چه ضررهای مادی و چه ضررهای معنوی، به طور کلی ممنوع نموده است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از جمله در اصول ۳۹ و ۴۰ ایراد هر گونه ضرر و خسارت ممنوع شده و طبق اصول ۲۲، ۲۳ و ۳۲ از لطمه به حقوق معنوی انسان‌ها منع شده است. همچنین طبق اصل ۱۷۱ قانون اساسی، اگر خسارتی به حیثیت و شرافت و سرمایه معنوی کسی وارد آید باید جبران شود. در قوانین عادی نیز اشاراتی راجع به خسارت معنوی شده است که

نشانگر توجه قانونگذار به این موضوع می باشد.

حقیقت امر آن است که برخلاف خسارت های مادی، خسارت معنوی در جامعه ای امروز اهمیت بسیاری دارد و در خیلی از موارد خسارات وارده بر روح و روان و شخصیت و احساسات و عواطف فرد سنگین تر از خسارت جسمی و مالی است. غفلت و بی توجهی نسبت به این گونه خسارات در نظام حقوقی مبتنی بر اسلام، با روح و قوانین اسلامی مغایرت دارد و موجب تضییع حقوق اشخاص می شود. لذا پرداختن به این موضوع و دستیابی به راه کارهای آن از اهمیت خاصی برخوردار است.

■ مبانی نظری خسارت معنوی

تعریف لغوی و اصطلاحی خسارت

راغب اصفهانی «ضَرٌّ» را به معنای بد حالی و «ضَرٌّ» را مقابل نفع دانسته است. ضَرٌّ شامل آسیب به نفس، بدن یا حال فرد می شود (راغب الاصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۲۹۳). دکتر جعفر لنگرودی خسارت را به دو معنا تعریف کرده است: مالی که باید جبران شود و زیان وارد شده (لنگرودی، ۱۳۷۶، ص ۲۶۰).

خسارت تعریف قانونی ندارد. برخی حقوقدانان خسارت و ضرر را مترادف دانسته اند، اما خسارت مفهومی گسترده تر دارد و شامل تاوان و غرامت نیز می شود. برخی حقوقدانان ضرر را نقص در اموال، فوت منفعت مسلم، یا لطمه به سلامت، حیثیت و عواطف شخصی تعریف کرده اند. (لنگرودی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۲۱)

مرحوم موسی خوانساری ضرر را فوت آنچه انسان داراست، اعم از نفس، عرض، مال یا جوارح دانسته است. او حتی عدم نفع را در صورت کامل بودن مقتضی آن، ضرر محسوب کرده است (نجفی خوانساری، ۱۴۱۸-۱۴۲۱ ق ج ۲، ص ۱۹۸). شیخ محمدحسین حلی ضرر را نقص در مال، نفس یا آبرو تعریف کرده است. این تعریف بر اساس کتب لغت ارائه شده است (حلی، ۱۴۱۵، ق ۲۰۱). در کتاب «القواعد الفقهیه»، ضرر به معنای از دست دادن هر یک از مواهب و نعمت های زندگی، اعم از جان، مال، حیثیت یا هر چیز دیگری که انسان از آن بهره مند است، تعریف شده است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۹).

در نهایت، در فقه و حقوق، مفهوم خسارت و ضرر شامل موارد متعددی می شود: سلب حیات،

آسیب به سلامت جسمی، نقص در اموال، فوت منفعت مسلم، لطمه به حیثیت و اعتبار، آسیب به عواطف شخصی، خانوادگی، ملی و مذهبی، و از دست دادن هر گونه سرمایه، دارایی یا حقی که شخص از آن بهره‌مند بوده یا اقتضای بهره‌مندی آن در نزد عرف وجود داشته است.

انواع خسارات

خسارت و ضرر به اعتبارات مختلف تقسیم می‌شود. از جمله تقسیم به خسارت فردی و جمعی. خسارت فردی به یک شخص وارد می‌شود، در حالی که خسارت جمعی به گروهی وارد می‌شود که نمی‌توان افراد مشخصی را متضرر دانست (لوراسا، ۱۳۷۵، صص ۱۰۹-۱۰۵). بسیاری از حقوقدانان خسارت را به دو دسته مادی و معنوی تقسیم می‌کنند. خسارت مادی به دارایی‌ها و حقوق مالی وارد می‌شود، در حالی که خسارت معنوی به سرمایه معنوی لطمه می‌زند. برخی حقوقدانان نیز خسارت را به سه دسته مادی، معنوی و مختلط تقسیم کرده‌اند (صفایی، ۱۳۵۵، ص ۲۵۸).

خسارت به اعتبار منشأ پیدایش آن به سه دسته تقسیم می‌شود: خسارت ناشی از نقض قرارداد، خسارت ناشی از تقصیر غیر قراردادی، و خسارت ناشی از ارتکاب جرم. خسارت ناشی از نقض قرارداد زمانی رخ می‌دهد که متعهد، تعهد خود را در زمان مقرر اجرا نکند. این می‌تواند موجب خسارت مالی یا معنوی به متعهدله شود. خسارت ناشی از تقصیر غیر قراردادی (مسئولیت مدنی) زمانی است که خطای شخصی موجب بروز خسارت شود، بدون اینکه رابطه قراردادی وجود داشته باشد. در این موارد، رابطه علیت بین فعل عامل و وقوع خسارت باید وجود داشته باشد. خسارت ناشی از ارتکاب جرم، نتیجه اعمال مجرمانه است که برخلاف قانون و نظم عمومی جامعه انجام می‌شود. مثال‌هایی از این نوع خسارت شامل آسیب به اموال در اثر حریق عمدی، خسارت ناشی از توقیف غیرقانونی، یا آسیب به حیثیت و اعتبار اجتماعی است. طبق قانون آیین دادرسی کیفری ایران، متضرر از جرم می‌تواند تقاضای مجازات، جبران خسارت یا هر دو را بنماید.

ملاك تشخیص خسارت مادي از معنوي

اولین معیار تمایز خسارت مادی از معنوی، امکان یا عدم امکان تقویم خسارت به پول است. این معیار هنوز مورد توجه است، اما انتقاداتی به آن وارد شده است. منتقدان معتقدند که عدم امکان تقویم به پول را باید از احکام حقوقی خسارت معنوی دانست، نه معیار تمییز آن.

معیار دوم، روش ایراد خسارت است. اگر روش و ابزار خسارت غیر مادی باشد، خسارت معنوی

و اگر مادی باشد، خسارت مادی تلقی می‌شود. این معیار نیز انتقاداتی دارد، زیرا بسیاری از افعال به ظاهر غیر مادی، در واقع مادی هستند و برخی اعمال مادی می‌توانند موجب خسارت معنوی شوند.

معیار سوم، ماهیت موضوع و متعلق خسارت است. اگر متعلق خسارت یک سرمایه معنوی باشد، خسارت معنوی و اگر مال یا منفعت مسلم یا سلامتی جسم باشد، خسارت مادی تلقی می‌شود. حقوقدانان فرانسوی مانند مازوها نیز این دیدگاه را تأیید می‌کنند. معیار چهارم، تمییز خسارت مادی از معنوی را مرتبط با تقسیم کلی حقوق به حقوق مربوط به دارایی و حقوق خارج از دارایی می‌داند. این معیار که توسط لالو مطرح شده، در واقع بیان دیگری از معیار سوم است و معیار مستقلی به شمار نمی‌آید.

معیار پنجم، نتیجه فعل زیانبار را ملاک قرار می‌دهد. اگر نتیجه فعل زیانبار لطمه غیرمالی باشد، خسارت معنوی و اگر نتیجه صدمه مالی باشد، خسارت مادی تلقی می‌شود.

نتیجه‌گیری نهایی این است که هیچ یک از این معیارها به تنهایی نمی‌تواند ضابطه کامل تمییز خسارت‌های معنوی از مادی باشد. تعیین مرز دقیق بین خسارت‌های مادی و معنوی در برخی موارد دشوار است. بنابراین، لازم است برخی خسارت‌ها را که دو جنبه آمیخته و غیر قابل انفکاک دارند، خسارت مختلط بنامیم. در چنین مواردی، زیان دیده می‌تواند جبران هر دو نوع خسارت را مطالبه کند.

تعریف خسارت معنوی

مفهوم خسارت معنوی در حقوق ایران تکامل یافته است. لنگرودی در ترمینولوژی حقوق آن را چنین تعریف می‌کند: «ضرری است که به عرض و شرف متضرر یا یکی از اقارب او وارد می‌شود، مثلاً بر اثر افشای راز مریض به حیثیت او لطمه وارد می‌شود. این خسارت طبق قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ قابل مطالبه است. ماده ۹، آیین دادرسی کیفری.» (لنگرودی، ۱۳۵۷، ص ۴۱۶)

گرچه قانون مدنی ایران به خسارت معنوی نپرداخته، اما قوانین بعدی آن را پذیرفته‌اند. ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری آن را «کسر حیثیت یا اعتبار اشخاص یا صدمات معنوی» تعریف کرده است.

تعریف جامع‌تر خسارت معنوی عبارت است از: «خسارت وارد بر شخص و شخصیت او یا هر

نوع خسارت وارد بر شخص که به طور مستقیم جنبه مالی ندارد اعم از روح و جسم و اعتبار و احساسات و عواطف، یا هر گونه خسارت غیر مالی بر شخص و حقوق مربوط به آن، یا خسارت وارد بر خود شخص و متعلقات غیر مالی او.» این تعریف شامل تمام انواع زیان‌های معنوی بر اشخاص حقیقی و حقوقی می‌شود.

خسارت معنوی از جهات مختلف قابل تقسیم است: از لحاظ منشأ (قراردادی، کیفری، قهری)، نحوه جبران (معادل، جبرانی، اسمی، تنبیهی)، و اشخاص متضرر (حقیقی، حقوقی، گروهی). (سلطانی نژاد، ۱۳۸۰، ص ۴۹)

ماده یک قانون مسئولیت مدنی با عبارت «هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده» تعریف خسارت معنوی را تکمیل کرده است، شامل حقوقی مانند حمایت از زندگی خصوصی، حق بر تصویر، و حقوق مؤلف.

انواع خسارت معنوی

خسارت معنوی به اعتبار منشأ و متعلق آن، انواع مختلفی دارد. این تفکیک صرفاً نظری نیست و آثار عملی نیز دارد، از جمله در امکان جبران برخی انواع و عدم امکان جبران انواع دیگر. در قوانین ایران، ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری خسارت معنوی را به دو گروه تقسیم کرده است: ۱- کسر حیثیت و اعتبار ۲- صدمات روحی.

بسیاری از حقوقدانان نیز خسارت معنوی را به دو گروه تقسیم کرده‌اند: «۱- زیان‌هایی وارد به حیثیت و شهرت و بطور خلاصه آنچه در زبان عرف سرمایه معنوی شخص است. ۲- لطمه به عواطف و ایجاد تألم معنوی که شخص با از دست دادن عزیزان خود با ملاحظه درد و رنج آن‌ها می‌بیند.» (کاتوزیان، حقوق مدنی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۴)

دکتر عبدالرزاق احمد السنهوری چهار حالت برای خسارت معنوی تصویر کرده است: آسیب به جسم، آسیب به شرف، آبرو و اعتبار، آسیب‌های عاطفی و مربوط به شعور و احساس، آسیب‌های معنوی ناشی از تجاوز به حقوق مسلم افراد (عبدالرزاق السنهوری، [بی تا]، ج ۱، صص ۸۶۴ و ۸۶۵)

با توجه به تکامل مدنی بشر و امکان پیدایش سرمایه‌های جدید معنوی، بهتر است از تنوع براساس مصادیق پرهیز کرده و همان تقسیم خسارت معنوی به دو گروه عمده را بپذیریم و مباحث را با توجه به نظریات حقوقدانان نظام‌های مختلف در امکان یا عدم جبران خسارت معنوی در این

دو گروه پیگیری کنیم.

شرایط ضرر قابل جبران در خسارت معنوی:

أ. خسارت قطعی و مسلم باشد.

اصل مسلم بودن ضرر در خسارت معنوی نیز مانند خسارت مادی اعمال می‌شود. تا ضرری قطعی به بار نیاید، حکم به جبران خسارت بی‌معناست. در حقوق ایران، ماده ۷۲۸ قانون آئین دادرسی سابق مقرر می‌دارد: «در صورتی دادگاه، حکم خسارت می‌دهد که مدعی ثابت کند که ضرر بر او وارد شده است».

برخی حقوقدانان اسلامی معتقدند تنها ضرر کنونی قابل مطالبه است، اما این نظر پذیرفته نیست زیرا عرف، امر معدوم حتمی الوقوع را مانند امر موجود تلقی می‌کند. لوراسا می‌گوید: «ضرری قابل مطالبه است که وارد آمدن آن دارای احتمالی زیادی است» (لوراسا، ۱۳۷۵، ص ۶۵). این دیدگاه، جبران خسارت از دست دادن شانس را نیز می‌پذیرد.

در قانون مسئولیت مدنی ایران، ماده ۱ تصریح می‌کند: «هر کس بدون مجوز قانونی به هر حق دیگری به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.»

در زمینه زیان‌های آتی، قاضی باید به اطمینان عرفی و ظن قوی اکتفا کند. ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «..... اگر در موقع صدور حکم یا یقین به عواقب صدمات بدنی بطور دقیق ممکن نباشد دادگاه از تاریخ صدور حکم تا دو سال حق تجدید نظر نسبت به حکم را خواهد داشت.»

ب. خسارت باید مستقیم باشد.

دومین شرط قابل مطالبه بودن خسارت، مستقیم بودن آن است. خسارت باید نتیجه طبیعی فعل زیانبار باشد، به طوری که عرفاً بتوان گفت ضرر ناشی از همان فعل است. دکتر کاتوزیان می‌گوید: «منظور از مستقیم بودن ضرر اینست که عرفاً ضرر وارده به شخص مرتکب نسبت داده شود و هم احراز سببیت جنبه عرفی دارد.» (کاتوزیان، ۱۳۷۰،

صص ۱۶۵-۱۶۶)

ماده ۷۲۸ قانون آئین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «... این ضرر بلاواسطه (مستقیم) ناشی از عدم انجام تعهد، تاخیر آن یا عدم تسلیم محکوم به بوده است.» این حکم قابل تعمیم به سایر موارد مسئولیت قراردادی و غیرقراردادی است. (نقیبی، ۱۳۸۶، ص ۷۷) در فقه امامیه نیز به این عنصر توجه شده است. در کتاب جواهر الکلام آمده: «هر گاه شخصی در ظرفی را که در آن روغن یا مایع دیگری وجود دارد، باز بگذارد و ظرف در اثر وزش باد واژگون شده و محتوای آن بر زمین بریزد، مسئول جبران خسارت است...» (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۳۷، ص ۶۹)

خسارت‌های غیرمستقیم موجب مسئولیت مدنی نیست. مثلاً، اگر شخصی کاریکاتور توهین‌آمیز دیگری را تهیه کند ولی شخص ثالثی بدون اطلاع او آن را پخش کند، خسارت معنوی وارده منسوب به شخص اول نیست. (سلطانی نژاد، ۱۳۸۰، ۹۸)

ج. خسارت باید جبران نشده باشد.

دادگاه تنها برای زیان‌هایی که از راه دیگری جبران نشده‌اند، حکم به جبران صادر می‌کند. زیان‌دیده‌ای که خسارت خود را از طریق جبران کرده، حق مطالبه مجدد ندارد.

ماده ۳۱۹ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اگر مالک تمام یا قسمتی از مال معیوب را از یکی از غاصبین بگیرد حق رجوع به قدر مأخوذ به غاصبین دیگر ندارد.» براساس ماده ۳۰ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶، در بیمه خسارت، اگر بیمه‌گر تمام خسارت را جبران کند، زیان‌دیده حق مراجعه به زیانکار را ندارد. اما در بیمه اشخاص، مانند بیمه عمر، اخذ بیمه مانع رجوع وارثان متوفی به راننده خطاکار نیست. (کاتوزیان، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۵۵)

یکی از نظریات معروف درباره قاعده «لاضرر» که از مبانی مهم مسئولیت در حقوق اسلام است، از همین نکته الهام گرفته است. برخی مانند عبدالفتاح، نویسنده کتاب «عناوین»، معتقدند: «لاضرر و لاضرار» ناظر به حرمت ایراد زیان نیست، بلکه مقصود آن است که ضرر جبران‌نشده در اسلام تجویز نشده است. در این شریعت برای هر ضرر، شیوه جبرانی اندیشیده شده و ضرر متدارک اصولاً «ضرر» نیست. البته این نظر مورد انتقاد قرار گرفته و پذیرش عمومی نیافته است. (شیخ انصاری، ۱۲۸۶، ص ۳۷۳)

د. خسارت باید قابل پیش بینی باشد .

یکی از شرایط قابل جبران ، قابل پیش بینی بودن آن است. این شرط در مسئولیت های قراردادی پذیرفته شده است. لذا ضررهایی که دور از پیش بینی متعاقبین که به عوامل غیر متعارف وابسته است، در حوزه مسئولیت قرار دادی قرار نمی گیرد . (کاتوزیان [۱۳۷۰] ج ۱ ، ص ۲۵۸) ولی در مسئولیت های قهری چه بسا ضرر بر مرتکب تحمیل می شود و با قابل پیش بینی بودن از ناحیه او ضرورتاً سازگاری ندارد . از طرف دیگر ، عرف تنها ضرری را که با عنایت به سیر متعارف امور از خطای مرتکب فعل زیانبار پدید می آید به او نسبت می دهد و رابطه ی سببیت را در آن می یابد ولی در موردی که از ارتکاب فعل چنین ضرری انتظار نمی رود عرف، نسبت برقرار نمی بیند و حکم به مسئولیت مرتکب نمی کند . بنابراین چنانچه عرفاً ضرر قابل پیش بینی باشد، محقق عنوان تقصیر و معرّف رابطه سببیت بین فعل زیانبار و ضرر خواهد بود (نجفی ، ۱۳۶۷ ، ج ۳۷ ، ص ۵۹) .
دقانونگذار قانون مجازات اسلامی در مواد ۳۴۷ ، ۳۴۹ ، ۳۵۰ ، ۳۵۱ ، ۳۵۲ ، ۳۵۳ ، ۳۵۷ با پیروی از نظریه ی فقیهان ، لزوم قابل پیش بینی بودن ضرر را حداقل در موارد مطرح در این مواد پذیرفته است .

■ مبنای مشروعیت جبران خسارت معنوی

قاعده لاضرر

منطق حقوق اسلامی به ما می آموزد که اگر قانونگذار سرمایه های کم ارزش را از تعرض مصون داشته و جبران خسارت به آن را ضروری دانسته است به طریق اولی باید مصونیت سرمایه های با ارزش تر را شناسایی و تضمین کند و آن را با جبران خسارت وارده ، مورد حمایت جدی قرار دهد . پس حقوق اسلامی ما را به پذیرش قاعده لاضرر و دیگر قاعده ها در گستره ی همه انواع ضررها اعم از مادی و معنوی راهنمایی می کند.

قاعده «لاضرر» یکی از مهم ترین مبانی جبران خسارت و مسئولیت مدنی در فقه و حقوق اسلامی است. این اصل عقلی در آیات و روایات متعددی تأیید شده و قلمرو گسترده ای در احکام عبادی، اجتماعی، سیاسی و معاملاتی دارد. قاعده لاضرر بر احکام اولیه حاکمیت داشته و مفهوم مقررات را محدود می سازد.

اگرچه ضرورت جبران خسارت در تمام جوامع و نظام‌های حقوقی پذیرفته شده، اما در حقوق اسلام این قاعده به عنوان یک اصل کلی حاکم بر احکام و مقررات اولیه به طور مشخص مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

مهم‌ترین دلیل برای نفی ضرر، عقل است. آیات قرآنی نیز بر این قاعده تأکید دارند، از جمله: آیه ۲۳۱ سوره بقره: «وإذا طلقتم النساء فبلغن...» که طبق تفسیر ابن عباس، نهی از اضرار به زن در طلاق است. فاضل مقداد در تفسیر «کنز العرفان في فقه القرآن» می‌گوید: «ضراً لتعتدوا» یعنی ضرر وارد کردن بر زن به خاطر آزار رساندن به او می‌باشد (محقق داماد، ۱۳۸۳، ص ۱۳۵). آیه ۱۰۷ سوره توبه: «والذين اتخذوا مسجداً ضراراً وكفراً» که درباره ساخت مسجد ضرار توسط منافقین است. امام خمینی (ره) در این مورد فرموده‌اند: «منافقین قصد نداشتند مالی را تلف کنند یا صدمه بدنی به کسی بزنند بلکه فقط می‌خواستند ابو عامر را در آن مستقر نمایند و عقاید مسلمانان را مشوّش سازند و آن‌ها را به زیان نفاق و تفرقه و مکروه معنوی گرفتار کنند.» (همان منبع، ص ۱۳۵)

این آیات نشان می‌دهند که قاعده لاضرر شامل ضررهای معنوی نیز می‌شود. در آیه ۲۳۱ سوره بقره، منظور از اذیت و آزار، ضرر معنوی می‌باشد و رجوع ممکن است هم برای خسارت مادی (بخشیدن مهریه) و هم معنوی باشد. همچنین در آیه ۱۰۷ سوره توبه، منافقین قصد وارد کردن ضرر معنوی بر مسلمانان را داشتند.

روایات آن: مستندات قاعده «الاضرر ولاضرار» روایات فراوانی دارند که زمینه‌های صدور برخی از آن‌ها تنها ضرر مادی است و برخی دیگر تنها خسارت معنوی. اما برخی از این مستندات به هر دو نوع ضرر، مادی و معنوی، اشاره دارند. به عنوان مثال، روایات مربوط به سمرة بن جندب که تردیدی در صدور آن بر اساس تواتر لفظی یا معنوی یا اجمالی وجود ندارد (کلینی، فروع الکافی، کتاب المعیشة، باب الضرر، روایت ۳ و ۸؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، کتاب احیاء الموات، باب ۱۲).

برای مثال، در یکی از روایات آمده است که سمرة بن جندب درخت خرمایی در باغ یکی از انصار داشت. خانه آن مرد انصاری در محل ورودی باغ بود. او همواره به سوی درخت خود از خانه انصاری می‌گذشت و اجازه نمی‌گرفت. مرد انصاری با او صحبت کرد که وقتی برای سرکشی درخت می‌رود، اجازه بگیرد اما سمرة امتناع کرد. این مورد نشان می‌دهد که تجاوز به حق معنوی مسلم

است که به خسارت معنوی تعلق می‌گیرد» (کلینی، ۱۳۶۳، باب اضرار روایت ۸).

در روایت دیگری، هنگامی که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ علی عَلِيٌّ را برای جبران خساراتی که خالد بن ولید به قومی وارد کرده بود فرستاد، علی عَلِيٌّ دیه همه کشته شدگان را پرداخت کرد. بعد از این کار، به آن‌ها خطاب کرد و پول باقی‌مانده بابت تاخت و تاز اسب‌ها که موجب ترس و آزار زنان و کودکان شده بود پرداخت نمود (فیض، ۱۳۷۲، ۳۱۸). این مثال نشان می‌دهد که حضرت علی عَلِيٌّ بهای خون و تمام کالاهای متضرر شده را پرداخت کرد و حتی به خاطر ترس و آزار ناشی از تاخت و تاز اسب‌ها نیز جبرانی انجام داد، که به عنوان خسارت معنوی قابل شناسایی است.

نتیجه: از مجموع مباحث مربوط به مقتضیات صدور برخی از ادله مربوط به خسارت معنوی نتیجه می‌گیریم که قانونگذار اسلامی نسبت به ایراد زیان معنوی بی تفاوت نبوده است بلکه ایراد زیان معنوی را از حوزه مقررات و احکام نفی کرده است و در قضیه سمره بن جذب که بین ضرر مادی او و ضرر معنوی انصاری تنافی پدید آمده بود ضرر معنوی را ترجیح داده است و رفع آن را ضروری دانسته و به آن حکم کرده است. این موضع‌گیری شارع، معرف اهتمام و جدیت او در برخورد با متجاوزین به حقوق معنوی و ترمیم خسارت وارده است.

اهل لغت و بسیاری از فقیهان درباره شمول عنوان ضرر نسبت به زیان معنوی تردید نکرده و استعمال این کلمه را برای خسارات معنوی واقعی دانسته‌اند. با این حال، برخی عالمان اختلاف نظر بین لغویان را به خاطر تفاوت‌های استفاده از واژه ضرر طبیعی می‌دانند و بیان می‌کنند: «به‌طور کلی، کلمه ضرر برای زیان به نفس و مال استفاده می‌شود، اما برای فقدان احترام و آبرو کمتر به کار می‌رود. مثلاً می‌گویند فلانی در معامله ضرر کرد یا دارویی که مصرف کرد مضر بود. باید توجه کرد در بعضی مقررات جدید، مانند قانون مسئولیت مدنی، که ریشه غربی دارد، این معنی رعایت نشده و ضرر به معنای خسارت معنوی استفاده شده که شاید معادل ضرر باشد» (محقق داماد، ۱۳۶۳، ص ۱۴۳). به این ترتیب، می‌توان گفت ضرر به‌عنوان مفهومی عرفی، هم شامل زیان‌های معنوی می‌شود، و هم برخی فقیهان بر شمول ضرر بر خسارت معنوی تأکید دارند (النجفی الخوانساری، ۱۴۱۸، ص ۱۹۸).

واژه ضرر، مصدر ثلاثی مجرد است. در «مصباح المنیر» آمده است: «ضره یضره به معنای وارد کردن مکروه به دیگری است» و مؤلف «قاموس» نیز ضرر و ضرار را یکسان می‌داند. اگر ضرر به معنای اعم از مادی و معنوی باشد، ضرر نیز به خسارت معنوی دلالت خواهد کرد و در نتیجه

«لاضرار» در سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باید تأکیدی بر این معنا تلقی شود.

برخی فقیهان ضرار را به معنای تعمد در زیان رساندن و ضرر را شامل زیان‌های عمدی و غیر عمدی می‌دانند (نراقی، ۱۴۰۸، ص ۱۷). عده‌ای دیگر، ضرار را به تکرار ضرر نسبت داده‌اند (بجنوردی، ۱۳۸۹ ق، ص ۱۷۸). امام خمینی (ره) ضرار را به معنای ضیق و تنگنا و ضرر را به معنای نقصان در مال و نفس می‌داند، اما بررسی مواردی در آیات و روایات خلاف این نظر را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد تفاوت اصلی این دو واژه در لزوم تعمد در ضرار است؛ بنابراین، ضرر در زیان‌های بدون تعمد و ضرار در زیان‌های عمدی، اعم از مادی یا معنوی، به کار می‌رود.

این متن درباره قاعده فقهی «لا ضرر» و تفسیرهای گوناگون فقیهان شیعه از آن است. قاعده لا ضرر، از حدیث نبوی «لا ضرر و لا ضرار» اقتباس شده و به معنای نفی ضرر و زیان در اسلام تفسیر می‌شود. این قاعده از سوی برخی فقیهان به این معنا گرفته شده که هیچ حکم شرعی که باعث زیان شود، معتبر نیست و در مواردی که وجود حکمی شرعی موجب ضرر به شخص شود، آن حکم برداشته می‌شود (انصاری، ۱۲۸۶ ق).

در این میان، نظریه‌های مختلفی در بین فقیهان پیرامون تفسیر این قاعده وجود دارد. برخی مانند شیخ انصاری و میرزای نائینی، قاعده را به معنای نفی حکم ضرری در اسلام می‌دانند، یعنی احکام شرعی که مستلزم ضرر باشند، از نظر شارع مردود هستند. از این منظر، قاعده لا ضرر حاکم بر سایر احکام شرعی است و باعث نادیده گرفتن آن‌ها در موارد ضرری می‌شود (نائینی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲، ص ۲۰۱).

آخوند خراسانی به نوبه خود این نظریه را نقد کرده و تفسیر دیگری ارائه داده است. او معتقد است که در قاعده لا ضرر، «لا» به معنای نفی جنس است و مستقیماً موضوع ضرری را نفی می‌کند، نه حکم را. او می‌گوید نفی ضرر، به دلالت التزامی، حکم ضرری را نیز منتفی می‌کند (خراسانی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، ص ۲۶۷).

نظریه دیگری این است که قاعده لا ضرر به معنای نفی ضرری است که بدون جبران باقی بماند. این نظریه قاعده لا ضرر را به عنوان مبنایی برای لزوم جبران خسارت و تأکید بر مسئولیت مدنی تفسیر می‌کند. طبق این تفسیر، قاعده لا ضرر در اسلام تأکید می‌کند که هیچ ضرری بدون جبران باقی نمی‌ماند، و هرگونه زیان باید جبران شود (بجنوردی، ۱۳۸۹ ق، ج ۱، ص ۱۸۲).

همچنین امام خمینی (ره) بر این باورند که قاعده لا ضرر، از نوع حکم حکومتی است که پیامبر ﷺ به عنوان رهبر جامعه اسلامی صادر کرده و ناظر بر جلوگیری از آسیب های اجتماعی است (امام خمینی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۰ به بعد).

به طور کلی، قاعده لا ضرر در فقه اسلامی جایگاه ویژه ای دارد و به عنوان مبنایی برای توجیه ضرورت جبران خسارت، چه مالی و چه معنوی، و مقابله با ضرر در جامعه اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا، توجه به قواعد عقلی و همچنین اهمیت حفظ آبرو و حیثیت افراد از دیگر مواردی است که بر پایه این قاعده تأکید می شود و نشان از عمومیت قاعده لا ضرر در جلوگیری از انواع ضرر و ظلم دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲).

قاعده نفي عسرو حرج

لغت شناسان کلمه «حرج» را در معانی ضیق، تنگی، «اضیق الضیق»، تنگنا و گناه و حرام به کار برده اند. برخی از آنان عسرو حرج را به معنای محل جمع شدن شیء دانسته اند به نحوی که موجب ایجاد تصور ضیق و تنگی شود. در قرآن نیز این کلمه به معنای ضیق و تنگی (انعام: ۱۲۵؛ اعراف: ۲؛ نساء: ۶۵)، سختی و مشقت (مائده: ۶؛ حج: ۷۸)، گناه و اثم (توبه: ۹۱؛ فتح: ۱۷؛ احزاب: ۳۸؛ نور: ۶۱) آمده است. همچنین در روایات به معنای ضیق و تنگی استعمال شده است (حر عاملی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۱۲۰).

کلمه «عسر» را برخی از لغت شناسان مانند مولف صحاح اللغه به معنای ضد یسر دانسته اند و برخی دیگر مانند مولف النهایه و صاحب قاموس المحيط عسر را ضد یسر تعبیر کرده اند. بنابراین، عسر به معنای سخت، تنگ، دشواری، مشکل، سختی روزگار و بدخویی است و در قرآن نیز به همین معنا استفاده شده است (طلاق: ۷؛ بقره: ۱۸۵؛ انشراح: ۵ و ۶؛ قمر: ۸). اگرچه برخی عسر را به معنای اعم از حرج و ضیق دانسته اند، ولی به نظر می رسد عرف نسبت عسر و حرج را تساوی می داند؛ یعنی هر عملی که انسان را به تنگنا و ضیق بیفکند دشوار و سخت پنداشته می شود و هر کاری که انجام آن برای فرد مشکل باشد، موجب تنگی و فشار بر او است (نراقی، ۱۲۴۵ق، ص ۶۱).

یکی از معانی «ضرار»، ضیق و تنگی است. امام خمینی (ره) در این زمینه می نویسند: «استعمال ضرار در قضیه سمره به معنای ضیق و شدت و ایراد حرج و مکروه به دیگری است. بنابراین، عبارت «ما اراک یا سمره ما مضاراً» یعنی مضیقاً و مورثاً للشدّه و الحرج و المکروه علی

اخیک» (امام خمینی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۲). ایشان برای تأکید بر این معنی، به استعمال کلمه ضرار در قرآن نیز استناد می‌کنند.

خداوند در سوره بقره می‌فرماید: «و لا تضاروهنَّ لتضيقوا علیهن» (بقره: ۲۸۲)، یعنی هنگامی که زنان خود را طلاق رجعی دادید، با سخت گرفتن و تحت فشار قرار دادن آنان ضرر نزنید. همچنین در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «و اذا طلقتم النساء فبلغن اجلهن فامسکوهن بمعروف و لا تمسکوهن ضرراً لتعتدوا» (توبه: ۱۰۸)، یعنی زمانی که زنان را طلاق دادید و مدت عده به سر آمد، یا با حسن نیت و رغبت بازگردانید یا آن‌ها را رها سازید و برای به سختی افکندن و تحت فشار قرار دادن بازنگردانید، که در غیر این صورت ظلم به خود کرده‌اید.

در روایات نیز واژه «ضرار» به معنای سختی، ضیق و فشار استفاده شده است. در نتیجه، تردیدی نیست که یکی از معانی ضرار، حرج و تنگی است. به عبارتی، حرج معمولاً با فشار روحی، عاطفی و روانی همراه است و می‌تواند بر خسارت معنوی نیز دلالت کند. به بیان دیگر، حرج از عناوینی است که بر برخی خسارات معنوی مانند فقدان پدر یا فرزند یا آسیب‌هایی چون قطع عضو که با فشارهای عاطفی و روحی ملازمه دارد انطباق می‌یابد. اما حرج‌هایی که ماهیت مالی و مادی دارند، از قلمرو خسارت معنوی خارج‌اند (نائینی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۰۱).

فقیهان در این‌که آیا قاعده نفی عسر و حرج تنها احکام وجودی را شامل می‌شود یا به احکام عدمی نیز تعمیم می‌یابد، اختلاف نظر دارند. برخی از فقیهان مانند میرزا نائینی معتقدند که قاعده نفی عسر و حرج شامل احکام عدمی نمی‌شود، زیرا این قاعده تنها حکم شرعی مستلزم حرج را نفی می‌کند، در حالی که عدم یک حکم، خود حکم شرعی نیست (نجفی خوانساری، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۳۱).

اما در مقابل، بسیاری از فقها بر این باورند که قاعده نفی عسر و حرج به احکام عدمی نیز تعمیم می‌یابد. بر اساس این نظر، عدم جعل حکم در موضوعی که قابلیت جعل دارد، در حقیقت حکم به عدم آن است. از این منظر، قانون‌گذار اسلام هیچ موضوعی را بدون حکم رها نکرده و برای همه موارد حکمی وضع کرده است، چه وجودی و چه عدمی (خویی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۵۶).

مرحوم سید محمد کاظم یزدی در ملحقات عروه الوثقی با استناد به حکم عدمی، حرج را نفی کرده است. وی در موردی که زوج کمتر از چهار سال مفقود باشد و نفقه زوجه پرداخت نشود، عدم جواز طلاق برای حاکم را موجب ضرر و حرج زوجه دانسته و به قاعده نفی عسر و حرج استناد کرده

است (یزدی، بی تا، ج ۲، ص ۶۷).

در نتیجه، قاعده نفی عسر و حرج محدود به احکام وجودی نیست، بلکه احکام عدمی را نیز شامل می شود. برداشتن حرج تنها از طریق جبران خسارات مالی یا غیر مالی ممکن است، و لذا از دیدگاه فقهی باید هرگونه حرج که ناشی از احکام وجودی یا عدمی باشد، رفع شود.

قاعده اتلاف و تسبیب

قاعده اتلاف در فقه و حقوق، به مفهوم ضمان در ازای از بین بردن مال دیگری بدون اجازه صاحب آن، مشهور است و به صورت «من اتلف مال الغیر بلا اذن منه فهوله ضامن» بیان شده است. این قاعده شامل اتلاف مستقیم (مباشرت) و غیرمستقیم (تسبیب) است؛ به طوری که در اتلاف بالمباشره، فرد با عمل مستقیم و بدون واسطه موجب تلف می شود، مانند سوزاندن مال دیگران (بجنوردی، ۱۳۷۹: ۲۲)، در حالی که در اتلاف بالتسبیب، عمل فرد به واسطه ای منجر به تلف مال دیگران می شود، مانند کندن چاه در مسیر عمومی که سبب افتادن فرد در آن می شود (کاتوزیان، ۱۳۷۰: ۸۰).

تفاوت های اصلی بین اتلاف بالمباشره و بالتسبیب به واسطه و عنصر تقصیر برمی گردد؛ در مباشرت واسطه ای بین فعل و تلف نیست و تقصیر شرط نمی باشد، اما در تسبیب وجود واسطه و تقصیر الزامی است (محمدی، ۱۳۸۰: ۲۷-۲۹).

مبانی قاعده اتلاف: عقل قاعده ای عقلی است که شارع آن را تأیید کرده است (محقق داماد، ۱۳۶۳: ۱۱۲). اجماع فقهاء بر اصل ضمان اتلاف اجماع دارند. آیات مانند آیه «و من اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم» (بقره: ۱۹۴) که به مقابله به مثل در برابر تجاوز اشاره دارد. روایت «حرمة مال المسلم كحرمة دمه» بیانگر ضمانت تلف مال مسلمان است.

کاربرد در خسارت معنوی از آیات و روایات برداشت می شود که قاعده اتلاف نه تنها شامل خسارت های مادی بلکه شامل خسارات معنوی نیز می شود، زیرا جبران هر نوع ضرر نامشروع را دربرمی گیرد (کاتوزیان، ۱۳۷۰: ۷۸).

قاعده غرور

قاعده غرور یکی از قواعد فقهی است که بر اساس آن، هرگاه شخصی با عمل خود باعث فریب و زیان دیگری شود، مسئول جبران خسارت است. در این قاعده، قصد فریب از سوی فرد «غار» لازم نیست و حتی اگر خودش هم فریب خورده باشد، باز هم مسئول جبران خسارت فرد «مغرور»

است (محقق داماد، ۱۳۶۳: ۱۷۱).

مبانی قاعده غرور:

روایات: حدیثی منسوب به پیامبر ﷺ: «المغرور یرجع الی من غره»، که بر حق رجوع مغرور به غار برای جبران خسارت دلالت دارد. با وجود برخی اشکالات سندی، شهرت روایی این حدیث ضعف سند آن را جبران می‌کند (محمدی، ۱۳۷۳: ۲۸۸).

روایت از امام صادق علیه السلام: در کتاب علی علیه السلام آمده است که اگر فردی زنی را با پنهان کردن عیب به عقد مردی درآورد، شوهر می‌تواند از شخصی که عیب را پنهان کرده خسارت بگیرد. این روایت دلالت بر ضمان دارد، حتی اگر سکوت باشد (العاملی، ۱۴۰۲ ق: ج ۱۸، باب ۱۱).
بنای عقلا: عرف عقلاء نیز در مواقعی که شخصی گول می‌خورد، او را محق به جبران خسارت از فریب‌دهنده می‌داند.

مرحوم شیخ انصاری در باب «بیع فضولی» معتقد است که اگر مشتری از مال غیر با فرض تعلق آن به فضول خریداری کند و مالک معامله را تأیید نکند، مشتری می‌تواند خسارت را از فضول مطالبه کند (محقق داماد، ۱۳۶۳: ۱۸۰).

ماده ۲۶۳ قانون مدنی ایران نیز مشتری ناآگاه به فضولی را مجاز می‌داند که برای مطالبه ثمن و سایر خسارات به بایع فضولی رجوع کند.

خسارات معنوی: قاعده غرور، علاوه بر خسارات مادی، شامل خسارات معنوی نیز می‌شود. در جایی که مادر با ادعای وکالت پسرش، زنی را به عقد او در می‌آورد و سپس این ادعا رد می‌شود، مادر به دلیل فریب‌دادن زن و خسارت معنوی موظف به پرداخت نصف مهریه است (شهید ثانی، ج ۱۰).

قاعده غرور بر اساس روایات، بنای عقلاء و تأیید فقهاء برای تضمین خسارت معنوی نیز کاربرد دارد و می‌تواند برای مطالبه ضرر معنوی در موارد فریب و خسارت به کار رود.

بنای عقلاء

بنای عقلا در علم اصول به عنوان روشی مورد پذیرش قرار گرفته که بر اساس رفتار عموم عقلای عالم در مواجهه با مسائل خاص تعریف می‌شود. این مفهوم در مسائلی مانند حجیت ظواهر کتاب و سنت، خبر واحد، و استصحاب مورد استناد است. بنای عقلا شامل رویه عملی تمام عقلای جهان است و نیازی به عمل خارجی ندارد؛ بلکه به معنای توافق عمومی بر یک عقیده نیز

قابل تعریف است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۲۱۸).

عناصر اصلی بنای عقلا: عمل و تکرار آن، رسیدن این عمل به حد غالب یا عموم، مفید یا مستحسن بودن عمل و امکان ارادی یا فطری بودن عمل. این عناصر در مجموع نشان می دهند که حتی بدون عملی خارجی، توافق عقلا می تواند به عنوان یک بنا تلقی شود، زیرا طبع و فطرت عقلا نیز به آن اذعان دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۲۱۸).

بنای عقلا در مسئولیت جبران خسارت: عقلا بر این باورند که فاعل خسارت اعم از مالی، بدنی یا حیثیتی باید جبران خسارت را بپردازد. این اصل مورد تأیید شارع نیز قرار گرفته و شارع در مواردی که سکوت کرده، سکوتش به عنوان رضایت به این بنا تلقی می شود. با این حال، بحث در جبران خسارت معنوی از طریق مالی همچنان مورد تردید است، زیرا در همه موارد خسارت معنوی نمی توان به بنای عقلا برای جبران مالی استناد کرد.

تحدید و تشکیک در جبران مالی خسارت معنوی: در خسارت های معنوی ناشی از صدمات بدنی، جبران مالی امکان پذیر است، اما در سایر انواع خسارت های معنوی، پذیرش جبران مالی توسط عقلا و شارع محل تردید است. در نظام های حقوقی دیگر کشورها، پذیرش جبران مالی خسارت معنوی در رویه های قضایی می تواند نشان از تحقق بنای عقلا داشته باشد، که در صورت عدم ردع شارع، شاید بتوان آن را به عنوان امضای جبران مالی خسارت معنوی تلقی کرد.

روش های محاسبه زیان معنوی

چالش های ارزیابی خسارت معنوی خسارت های معنوی ماهیت خاص و متنوعی دارند و به دلیل گستردگی و پیچیدگی، تعیین معیار ارزیابی و ارزیابی مالی دشوار است. تعیین ملاک هایی برای افرادی که حق اقامه دعوی خسارت معنوی را دارند، می تواند به تحقق عدالت کمک کند و شامل روش های جبران خسارت معنوی، ارزیابی آن، و امکان مطالبه توسط ورثه زیان دیده و عوامل کاهش یا رفع مسئولیت مدنی است.

در جبران خسارت های مادی، فرآیند معمولاً ساده است؛ وقتی مالی تلف می شود، جایگزینی برای آن صورت می گیرد و در صورت وارد آمدن نقص به مال، مابه التفاوت (ارش) پرداخت می شود. در اینجا، تلاش برای بازگرداندن وضعیت به حالت قبل از ضرر صورت می گیرد و در صورتی که این امر ممکن نباشد، از طریق جبران مالی اقدام می شود. اما در جبران خسارت های معنوی، به دلیل

غیرقابل بازگشت بودن وضعیت، بیشتر هدف تسکین و آرامش بخشیدن به زیان دیده است. بنابراین، روش‌های مختلفی برای جبران خسارت معنوی پیشنهاد شده است که بسته به نوع آسیب، از یکدیگر متفاوت هستند.

در این راستا، پرسش اصلی این است که آیا می‌توان یک معیار ثابت برای جبران همه انواع خسارت‌های معنوی ارائه داد؟ با توجه به تنوع این خسارت‌ها که بر جنبه‌های مختلف روحی، روانی، جسمی و اجتماعی تاثیر می‌گذارد، پاسخ به این سوال پیچیده است. در بسیاری از کشورها، از جمله آمریکا، کانادا و انگلستان، برای کاهش تشتت آرا و رسیدن به یک وحدت رویه، تعرفه‌های قانونی قابل انعطاف برای جبران خسارت معنوی پیش‌بینی شده است. این سیستم باعث کاهش اختلاف در آرا و انعطاف بیشتر در تطبیق جبران خسارت با وضعیت فردی زیان دیده می‌شود.

در حقوق اسلامی نیز، مانند دیه برای آسیب‌های جسمی، در برخی موارد لطمه‌های عاطفی ناشی از دست دادن خویشاوند نیز قابل جبران است (خراسانی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۴۸). همچنین در مورد خسارت‌های معنوی ناشی از لطمه به اعتبار و حیثیت فرد، و آسیب‌های عاطفی دیگر، استفاده از تعزیرات مالی از سوی حاکم می‌تواند به عنوان یک راهکار برای پیش‌بینی جبران خسارت عمل کند. تعزیرات مالی می‌تواند در مواردی که خسارت معنوی ناشی از توهین و تحقیر است، پرداخت جریمه یا اجرای مجازات باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۱۸).

یکی از مهم‌ترین روش‌های جبران خسارت در حقوق اسلامی، همانطور که در حقوق غربی نیز مشاهده می‌شود، پیش‌بینی یک نظام تعرفه سیال است که بتواند حداقل و حداکثر جبران خسارت را مشخص کند. در این سیستم، قاضی می‌تواند بر اساس وضعیت زمانی، مکانی و اجتماعی پرونده تصمیم‌گیری کند. این رویکرد می‌تواند از تشتت آرا جلوگیری کرده و به یک وحدت رویه در جبران خسارت‌های معنوی منجر شود.

به طور کلی، در جبران خسارت‌های معنوی، هدف اصلی بازگرداندن وضعیت پیشین نیست، بلکه بیشتر تلاش برای تسکین و جبران آسیب‌های روحی و روانی فرد است. در برخی موارد، مانند صدمات جسمی، جبران خسارت ممکن است از طریق ترمیم جراحات یا پرداخت دیه صورت گیرد. اما در آسیب‌های روحی و عاطفی، روش‌های جبران ممکن است شامل عذرخواهی، تکذیب مطالب منتشره یا حتی پرداخت جریمه باشد. این روش‌ها بستگی به نوع خسارت، شرایط زیان دیده و شرایط اجتماعی و قضائی پرونده دارند.

به طور کلی، جبران خسارت‌های معنوی یک فرایند پیچیده است که نیاز به در نظر گرفتن ویژگی‌ها و شرایط خاص هر پرونده دارد و می‌تواند به روش‌های مختلفی انجام گیرد. در این زمینه، حقوق اسلامی با توجه به اصول ثابت خود و همچنین با در نظر گرفتن تغییرات اجتماعی و نیاز به جلب رضایت و تسکین زیان‌دیده‌ها، از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردار است.

جبران خسارت معنوی ممکن است بانوعی مصالحه و توافق بین زیان‌دیده و زیانکار، بدون مراجعه به دادگاه صورت پذیرد یا با مراجعه به دادگاه صالح و با انشاء حکم تحقق پیدا کند. در یک نگاه کلی روش‌های عمده جبران خسارت را که از سوی دادگاه اعمال می‌شود می‌توان در چهار روش خلاصه کرد: ۱- اعاده وضعیت سابق یا روش عینی ۲- دادن معادل و ۳- جبران خسارت به روش نمادین و اسمی ۴- خسارت تنبیهی یا کیفری (سلطانی نژاد، ۱۳۸۰، ص ۳۱۶)

روش اعاده وضعیت سابق یا روش عینی

در جبران خسارت‌ها، هدف اصلی این است که وضعیت زیان‌دیده به شرایط قبل از وقوع خسارت بازگردد، به طوری که هیچ اثری از زیان باقی نماند. این نوع جبران خسارت که به آن «اعاده وضعیت به حال سابق» گفته می‌شود، در عمل به ندرت امکان‌پذیر است، زیرا معمولاً شرایط پس از وقوع خسارت به طور کامل قابل بازگشت نیست. در مفهوم دقیق‌تر، اعاده وضعیت به حال سابق تنها به معنای بازگرداندن وضعیت پیشین نیست، بلکه باید آن را به معنای بازسازی وضعیتی دانست که در صورت عدم وقوع خسارت، می‌توانست تحقق یابد (لوراسا، ۱۳۷۵، ص ۱۵۰).

با این تعریف، جبران خسارت به شکل اعاده وضعیت باید به گونه‌ای باشد که زیان‌دیده به شرایطی بازگردد که در آن زیان وارده محو و منتفی گردد. این روش جبران خسارت را «جبران عینی» یا «امحای زیان» می‌نامند. در این راستا، برخی معتقدند که جبران عینی در مسئولیت قراردادی بیشتر از مسئولیت ناشی از ضمان قهری شایع است، که در این مورد، جبران عینی به عنوان استثنا تلقی می‌شود (سعید، ۱۹۸۵، ص ۱۷۸).

در خسارت‌های مادی، جبران عینی ممکن است نه تنها امکان‌پذیر بلکه ضروری باشد. به عنوان مثال، در موارد مال مغضوب، غاصب موظف است در صورت وجود عین مال، آن را به صاحبش بازگرداند. این مسئله در فقه اسلامی نیز مطرح شده است و فقها اجماع کرده‌اند که تا زمانی که عین مال موجود است، غاصب نمی‌تواند از رد آن خودداری کند، حتی اگر بازگرداندن

مال برای وی دشوار باشد (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۳۷، ص ۷۶). همچنین در صورت تلف عین، اگر آن مال مثلی باشد، غاصب باید مثل آن را بازگرداند، و اگر قیمی باشد، قیمت آن را پرداخت کند (انصاری، ۱۲۸۶، ص ۳۳۰).

در مورد خسارت‌های معنوی، جبران وضعیت پیشین بسیار دشوار است. به‌عنوان مثال، در صورتی که شخصی دچار آسیب‌های جسمی و روانی شود، ترمیم عضو آسیب‌دیده با بازگشت به وضعیت پیشین تنها در برخی شرایط قابل تحقق است. از جمله در مواردی مانند ترمیم بدن یا اعاده حیثیت از طریق عذرخواهی که ممکن است تا حدودی به بازگشت وضعیت گذشته کمک کند، اما هیچ‌گاه به‌طور کامل قابل بازسازی نیست. به‌عنوان نمونه، در صورتی که فردی دچار توهین شود، عذرخواهی ممکن است به اعاده حیثیت کمک کند، یا اگر در یک جامعه مذهبی موسیقی مطربی پخش شود و به عواطف مذهبی آسیب بزند، حکم به توقف پخش موسیقی می‌تواند به اعاده وضعیت پیشین منجر شود.

با این حال، برخی از خسارت‌های معنوی مانند از دست دادن عزیزان یا آسیب‌های روحی و روانی ناشی از آزارهای جنسی، به هیچ‌وجه قابل جبران از طریق بازگرداندن وضعیت پیشین نیست. در این موارد، جبران خسارت معنوی ممکن است از طریق روش‌های دیگری مانند پوزش‌خواهی، تعهدات آینده یا پرداخت خسارت مالی صورت گیرد (فیوضی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۳۰).

در مجموع، جبران خسارت به‌ویژه در مورد خسارت‌های معنوی بسیار پیچیده است و روش‌هایی مانند اعاده وضعیت پیشین تنها در موارد خاصی ممکن است. در موارد بسیاری، روش‌های دیگر جبران خسارت از جمله جبران مالی و معنوی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

روش پرداخت غرامت یا جبران خسارت از راه دادن معادل

در بسیاری از مواقع جبران کامل خسارت یا بازگرداندن وضعیت به حالت اولیه، به دلیل پیچیدگی‌ها و مشکلات اجرایی، امکان‌پذیر نیست. در این شرایط، یکی از روش‌های متداول برای جبران نسبی یا ناقص خسارت، پرداخت خسارت به صورت مالی، اعم از پول یا سایر اموال، یا انجام اقدامات دیگری است که در عرف جامعه به عنوان جبران خسارت معنوی شناخته می‌شود. در برخی موارد، اقداماتی همچون عذرخواهی، دادن معذرت‌خواهی رسمی یا درج حکم در رسانه‌ها می‌تواند به عنوان جبران خسارت معنوی به کار رود. از آنجا که چنین خسارتی عموماً

غیرقابل سنجش با معیارهای فیزیکی یا مالی هستند، هر دادگاه باید با توجه به اوضاع و احوال خاص، روش های جبران خسارت را تعیین نماید.

طبق ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی ایران، دادگاه ها مجاز هستند که میزان و نحوه جبران خسارت را با توجه به شرایط قضیه مشخص کنند. این امر شامل تعیین روش های جبران مالی و غیرمالی برای خسارت های معنوی است. به طور مثال، دادگاه ممکن است با توجه به وضعیت خاص پرونده، مانند از دست رفتن زیبایی صورت یک فرد، اقدام به تعیین معادل مالی خسارت وارده یا صدور حکم به انجام عملی مانند عذرخواهی عمومی از زیان دیده کند (سلطانی نژاد، ۱۳۸۰، ص ۳۲۰).

در خصوص جبران خسارت های معنوی، عمده ترین روش های جبران عبارتند از جبران مالی و جبران غیرمالی. در جبران مالی، که متداول ترین روش است، دادگاه به تعیین مبلغی پول یا مال معادل با خسارت معنوی وارد شده می پردازد. جبران غیرمالی اما به اقداماتی نظیر عذرخواهی، افترا به زیان دیده، یا حتی تغییر در روند اجتماعی یا حرفه ای فرد زیان زنده اشاره دارد. در بسیاری از موارد، این روش ها به جلب رضایت فرد زیان دیده و تسکین آلام روحی او کمک می کند.

در قوانین ایران، جبران خسارت معنوی پس از انقلاب اسلامی با برخی تغییرات همراه بوده است. قبل از انقلاب، خسارت معنوی اغلب از طریق پرداخت مبلغی به بازماندگان متوفی یا جبران حیثیت از دست رفته، قابل مطالبه بود. پس از انقلاب اسلامی، با تصویب قوانین جدید مانند قانون حدود، قصاص، دیات و تعزیرات اسلامی، نگرش ها به جبران خسارت معنوی تغییر کرده و پذیرش این نوع خسارت در سیستم قضایی به تدریج پذیرفته شد. به این ترتیب، دادگاه ها شروع به بررسی خسارت های معنوی ناشی از آسیب های روحی و روانی، همانند آسیب های جسمی، کردند و گاهی حتی صدور احکام برای پرداخت مبلغی به عنوان جبران خسارت معنوی، آغاز شد.^۱

۱. در رای شماره ۱۴۹ مورخ ۶۸/۱۰/۲، دادگاه حقوقی یک تهران، دعوی خانم احترام به طرفیت شرکت خدمات هواپیمایی آسمان رسیدگی کرده است. خواهان، مادر مرحوم خلبان عبدالله، از شرکت هواپیمایی به دلیل حادثه هواپیما و درگذشت فرزندش خسارت مادی و معنوی مطالبه کرده است. دادگاه بر اساس گزارش اداره استاندارد پرواز و مستندات کارشناسی، تخلفات و نارسایی های شرکت هواپیمایی را عامل اصلی حادثه دانسته و حکم به پرداخت پنج میلیون ریال خسارت به خواهان صادر کرده است. در این پرونده، علاوه بر خسارت مادی (هزینه های تدفین و امور مربوطه)، خسارت معنوی ناشی از از دست دادن تنها فرزند برای خواهان محرز گردید.

در سیستم قضایی فرانسه، همچنان هیچ تعرفه رسمی برای جبران خسارت معنوی وجود ندارد. با این حال، دیوان عالی کشور فرانسه تأکید دارد که خسارت معنوی باید به طور کامل جبران شود و هر دادگاه باید خود به ارزیابی دقیق از میزان خسارت وارد شده پرداخته و مبلغی مناسب را تعیین کند. این روش، که به ویژه در زمینه خسارات جسمی مورد استفاده قرار می‌گیرد، در مورد آسیب‌های معنوی به مشکل برخورد می‌کند چرا که نمی‌توان با دستگاه‌های دقیق یا نرخ‌های ثابت، میزان آسیب‌های روحی را ارزیابی کرد. به همین دلیل، دادگاه‌ها اغلب به معیارهایی همچون شدت آسیب، وضعیت اجتماعی فرد زیان‌دیده و میزان تأثیرگذاری آسیب روحی بر زندگی او توجه می‌کنند.

در فرانسه، بسیاری از احکام جبران خسارت معنوی به‌ویژه در زمینه آسیب‌های ناشی از تصادفات یا اتفاقات ناگوار همچون مرگ یا جراحات‌های شدید، با توجه به شرایط فردی و اجتماعی قربانی صادر می‌شود. برای نمونه، در صورتی که یک فرد در اثر تصادف یا حادثه‌ای مجبور به از دست دادن توانایی‌های خود شود، دادگاه معمولاً از روش‌هایی مانند محاسبه میزان درد و رنج او در مقیاس‌های مختلف استفاده می‌کند تا خسارت معنوی وارد شده را ارزیابی نماید. این روش‌ها ممکن است شامل ارزیابی درد جسمی و روانی فرد، تأثیرات اجتماعی و حرفه‌ای بر زندگی او و همچنین مشکلات اقتصادی ناشی از این آسیب‌ها باشد.

در خصوص جبران خسارت معنوی به زیبایی یا تأثیرات روانی ناشی از آسیب‌های جسمی، برخی از سیستم‌های قضائی مانند فرانسه از معیارهایی همچون میزان تأثیر این آسیب‌ها بر زندگی اجتماعی و روانی فرد بهره می‌برند. برای مثال، برای از دست دادن زیبایی یا توانایی‌های جسمی، دادگاه‌ها معمولاً با حضور متخصصین پزشکی، میزان آسیب‌های ناشی از این تغییرات را ارزیابی کرده و سپس مبلغ معادل با این آسیب‌ها را تعیین می‌کنند. در این فرآیند، گاهی از دستگاه‌های خاص یا ارزیابی‌های پزشکی برای محاسبه دردهای جسمی استفاده می‌شود، اما ارزیابی دردهای

در رای دیگری که در سال ۱۳۷۸ صادر شد (رای شماره ۳۱ مورخ ۷۹/۱/۱۵ از شعبه دوم دادگاه عمومی شهرضا)، آقای غ. ه. دعوای مطالبه خسارت معنوی علیه خانم س. د. و آقای غ. ج. به مبلغ ۳۰ میلیون ریال مطرح کرده است. خواهان به دلیل اعمال خلاف شرع خواندگان (ازدواج و طلاق) و مشکلات ناشی از آن، به شدت از نظر روانی آسیب دیده است. دادگاه با توجه به گواهی پزشک قانونی و شرایط روانی خواهان، خواندگان را مسئول لطمات روحی و روانی او دانسته و حکم به پرداخت ۱۵ میلیون ریال خسارت معنوی صادر کرده است. در این پرونده نیز طبق مواد قانون مسئولیت مدنی، خسارت معنوی ناشی از مسائل خانوادگی و اجتماعی قابل مطالبه شناخته شده است.

روانی یا زبان‌های ناشی از از دست دادن زیبایی، نیاز به تحلیل‌های دقیق‌تری دارد. در مجموع، سیستم‌های حقوقی ایران و فرانسه هر دو با این چالش مواجه هستند که چگونه خسارات معنوی را که در ابتدا غیرقابل اندازه‌گیری به نظر می‌رسند، به روشی عادلانه و قابل قبول جبران کنند. در ایران، نگرش به جبران این نوع خسارت تغییر کرده و در حال حاضر گاهی حتی به پرداخت خسارت مالی برای جبران آسیب‌های روحی و روانی حکم صادر می‌شود. در فرانسه، همزمان با تأکید بر جبران کامل خسارت، دادگاه‌ها به استفاده از معیارهای مختلف برای ارزیابی و تعیین مبلغ خسارت معنوی پرداخته و از تجارب قبلی و نظرات کارشناسین پزشکی استفاده می‌کنند.

در نهایت، چه در سیستم قضائی ایران و چه در فرانسه، این مسئله که چگونه می‌توان خسارت‌های معنوی را به درستی ارزیابی و جبران کرد، همچنان یکی از چالش‌های بزرگ و پیچیده در حوزه حقوق است. در این راستا، دادگاه‌ها با توجه به شرایط خاص هر پرونده، معیارهای مختلفی برای جبران خسارت معنوی در نظر می‌گیرند که ممکن است از روش‌های مالی تا غیرمالی متغیر باشد. در این مسیر، استفاده از آراء قضائی پیشین و پژوهش‌های علمی می‌تواند به دادگاه‌ها در تعیین معیارهای منصفانه‌تر کمک کند.

روش جبران خسارت به روش نمادین و اسمی

در صورتی که زیان دیده بخواهد نشان دهد که خسارتی غیرقابل جبران به او وارد شده است که پول نمی‌تواند آن را جبران کند، و همچنین بخواهد اثبات کند که لطمه‌های وارد شده به حیثیت و اعتبار او قابل معاوضه با پول نیست، از دادگاه تقاضای حکم به جبران خسارت اسمی می‌کند. در این حالت، اگر زیان وارد شده به حدی اندک باشد که در نظر دادگاه ارزش قابل توجهی نداشته باشد، ممکن است دادگاه با صدور حکم به نحو رمزی و اسمی، ورود زیان را تأیید کند.

خسارت اسمی اختصاص به مسئولیت قراردادی ندارد و در مواردی که فقط نقض یک قرارداد به صورت حقوقی رخ داده باشد و خواننده در واقع هیچ زبانی متحمل نشده باشد، دادگاه می‌تواند با حکم به نفع خواهان، خسارت اسمی را تعیین کند. این نوع خسارت معمولاً به میزان یک واحد پولی کشور تعیین می‌شود و صرفاً نشان می‌دهد که خواهان ادعای خود را ثابت کرده و پیروز شده است. در حقوق ایران نیز لازم است که قانون‌گذار به طور خاص به جایگاه این روش در جبران خسارت معنوی تأکید کند و رویه قضایی به آن توجه داشته باشد. اگرچه طبق قانون مسئولیت

مدنی، قاضی اختیار اعمال این روش جبران خسارت را دارد، اما به نظر می‌رسد که در صورتی که مدعی به طور خاص تقاضای جبران خسارت اسمی نکرده باشد، قاضی نمی‌تواند به طور خودسرانه حکم به جبران آن صادر کند.

این روش ترمیم سمبلیک در برخی کشورهای دیگر، از جمله فرانسه، مرسوم است و سابقه طولانی دارد. در فرانسه، دادگاه‌ها به‌طور مکرر، بنا بر درخواست زیان‌دیده، خواننده را به پرداخت یک فرانک به عنوان خسارت معنوی محکوم می‌کنند. این نوع دادخواست‌ها به این معناست که مجنی‌علیه نشان می‌دهد که خسارت وارده غیرقابل جبران است و پول نمی‌تواند این آسیب‌ها را ترمیم کند. در عین حال، او نمی‌خواهد که آسیب‌های وارد شده به حیثیت و شرفش با پول جبران شود، اما ممکن است بخواهد با چنین درخواست، هم به انجام تکالیف اخلاقی خود پرداخته و هم با همراهی دادستان، در پیشبرد منافع شخصی‌اش در رسیدگی به پرونده کمک کند. (درخشان نیا، ۱۳۷۶، ص ۱۰۱).

روش پرداخت غرامت کیفری و تنبیهی

چنانکه در بخش گذشته در زمینه کیفر خصوصی دیده‌ایم قاضی می‌تواند متناسب با جرم و وضع شخص متهم، نسبت به پرداخت غرامت از سوی زیانکار حکم کند. چه بسا بتوان آن را تحت عنوان «خسارت کیفری» تبیین کرد. این روش غالباً در مواردی قابل‌عنایت و عمل است که مرتکب فعل زیانبار آن را به صورت عمدی و با سوء نیت مرتکب شده باشد. این نوع خسارت علاوه بر سایر خسارات در سیستم حقوقی فرانسه در مواردی تعیین می‌شود که ارتکاب جرم یا خطای مدنی همراه با عمد و سوء نیت باعث زیان دیگری شود. حکم به چنین خسارتی علاوه بر نقش کیفری و مجازات مجرم یا عامل زیان که باعث عبرت افراد دیگر و نقش بازدارنده دارد (سلطانی نژاد، ۱۳۸۰، ص ۳۲۳).

نحوه‌ی ارزیابی و تعیین میزان انواع معنوی

یکی از مهمترین و دقیق‌ترین مسائل در رابطه با خسارت معنوی نحوه‌ی ارزیابی و تعیین میزان خسارت و تقویم آن به امر مالی است در بسیاری موارد نمی‌توان برای آن ضابطه و یا تعرفه مشخصی را تعیین نمود. زیرا از طرفی ماهیت آن با امور مالی کاملاً متفاوت و بدون هیچ گونه سنخیت است و از طرف دیگر با شخصیت زیان‌دیده ارتباط نزدیک دارد و در اشخاص مختلف بر حسب درجه

اعتبار و قابلیت های فردی میزان خسارت متفاوت است. ولی با وجود این باید مناسب ترین شیوه انتخاب شود تا این گونه خسارت ها بدون جبران باقی نماند. بررسی این مسأله بر حسب نوع خسارت معنوی وارد بر اشخاص موضوع این مبحث است.

ارزیابی خسارت معنوی و تفاوت تألم پذیری افراد

جبران مالی خسارت یکی از اصول مسلم حقوقی است که در آن تلاش می شود تا زیان دیده به اندازه خسارت وارد شده، جبران شود. معمولاً در جبران خسارت های مادی، مبلغی پول به زیان دیده پرداخت می شود که معادل ارزش خسارت است. برای این منظور، قاضی معمولاً ارزیابی و تقویم خسارت را به کارشناسان مربوطه ارجاع می دهد تا نظر آن ها مبنای حکم قرار گیرد. اما هنگامی که پای خسارت معنوی در میان باشد، داستان پیچیده تر می شود.

تشخیص میزان خسارت معنوی و ارزیابی آن امری دشوار و دقیق است. چرا که افراد در برابر حوادث مختلف واکنش های روانی متفاوتی از خود نشان می دهند. ممکن است یک حادثه کوچک برای فردی اثر عمیقی بر جای بگذارد، در حالی که فرد دیگر حتی با تجربه یک واقعه بزرگ، به راحتی از آن عبور کند. این تفاوت ها باعث می شود که ایجاد یک قاعده عمومی برای همه افراد، نه تنها سخت بلکه غیرممکن به نظر برسد. در اینجا، قاضی نقش بسیار حساس و مهمی ایفا می کند؛ او باید در ارزیابی خسارت معنوی، به طور خاص به ویژگی های روانی و اجتماعی زیان دیده توجه کند.

نکته جالب اینجاست که قاضی باید به تمام شرایط فرد زیان دیده و زیان کار توجه کند. برای مثال، اگر توهینی در یک برنامه تلویزیونی پرتطرفدار به شخصی صورت گیرد، نمی توان آن را با توهین به فردی در جمعی کوچک مقایسه کرد. یا حتی در مورد دادن عزیزان، نباید تألم روحی مادر داغ دیده ای که تنها فرزندش را از دست داده با دیگر وابستگان او یکسان شمرده شود. شدت و ضعف خسارت معنوی باید دقیقاً ارزیابی شود و این کار نیاز به توجه به شرایط خانوادگی، اجتماعی و حتی روانی فرد دارد.

در کنار این مسائل، قاضی باید ویژگی های روانی و باطنی مجرم را نیز مد نظر قرار دهد. حسن نیت یا سوءنیت او می تواند تأثیر زیادی در میزان جبران خسارت داشته باشد. در برخی از موارد، مانند غرامت های کیفری، نقش این ویژگی ها در تعیین میزان جبران خسارت بسیار برجسته تر می شود.

در نهایت، این فرآیند پیچیده و چندوجهی که به نظر می‌رسد دقت و حساسیت زیادی می‌طلبد، نه تنها باعث می‌شود که قاضی در موقعیتی دشوار قرار گیرد، بلکه نشان‌دهنده چالش‌های بزرگ در سیستم قضایی است. در جبران خسارت معنوی، همیشه باید در نظر گرفت که هیچ دو فردی یکسان نیستند و از این رو جبران خسارت هم نمی‌تواند یکسان باشد. در اینجا دقیقاً جایی است که قاضی می‌تواند مهارت‌های خود را به کار گیرد و در تعیین میزان خسارت، به عدالت واقعی دست یابد.

روش تعیین مبلغ جبران خسارت

تعیین مبلغ جبران خسارت به سه طریق صورت می‌گیرد:

تعیین قانونی: در این روش، مبلغ خسارت توسط قانونگذار مشخص شده و قاضی حق تغییر آن را ندارد. هنگامی که زیان دیده مدعی خسارت می‌شود، در صورت اثبات وقوع زیان، قاضی باید به نفع او حکم دهد. برای مثال، در ماده ۸ قانون صدور چک بی‌محل، خسارت معنوی صاحب چک به میزان یک‌چهارم مبلغ چک تعیین شده است. هدف از تعیین مبلغ مقطوع، سلب اختیار از قاضی در سنجش زیان یا تعیین حداکثر مسئولیت فاعل زیان است.

تعیین توافقی: در این روش، خسارت پیش از وقوع زیان و به‌وسیله توافق طرفین تعیین می‌شود. این نوع تعیین خسارت معمولاً در مسئولیت قراردادی رخ می‌دهد. برای مثال، در قرارداد بین کارگر ماهر و کارفرما، ممکن است شرط شود که در صورت صدمه به کارگر در محیط کار، مبلغی بیشتر از ضرر واقعی به او پرداخت شود. این نوع شرط در صورتی که با قوانین آمره و نظم عمومی مغایرت نداشته باشد، معتبر است. ماده ۲۳۰ قانون مدنی ایران نیز این روش را پذیرفته است.

تعیین قضایی: در این روش، تعیین مبلغ خسارت به قاضی سپرده می‌شود. اگر در قانون یا قرارداد مبلغ خسارت مشخص نشده باشد، قاضی با ارزیابی و سنجش شرایط، مبلغ خسارت را تعیین می‌کند. ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی به صراحت اختیار قاضی در این زمینه را تأیید کرده است.

در مجموع، تعیین مبلغ خسارت به روش‌های مختلف بستگی به شرایط خاص هر پرونده دارد و قاضی باید با توجه به قانون، توافقات طرفین و ارزیابی‌های قضایی، مبلغ مناسبی را برای جبران

خسارت تعیین کند

ملاك زمان ارزیابی

در خصوص ارزیابی خسارت معنوی و زمان ملاک برای تعیین آن، دو نظر عمده در حقوق وجود دارد:

نظر اول: ارزیابی زیان بر اساس زمان وقوع خسارت

برخی از حقوقدانان معتقدند که ارزیابی زیان باید در زمان وقوع آن انجام شود. به عبارت دیگر، زیان به محض وقوع خود به وجود می آید و مسئولیت بر آن مترتب می شود. در این نگاه، حکم صادره فقط نقش تأیید و تأکید بر حق مطالبه جبران خسارت را ایفا می کند، نه ایجاد حق جدید. این نظریه در بسیاری از قوانین کشورها، از جمله فرانسه، پذیرفته شده است (نقیبی، ۱۳۸۶). بر اساس این نظر، قاضی موظف است زیان را بر اساس شرایط و مقتضیات زمان وقوع آن ارزیابی کند.

نظر دوم: ارزیابی زیان بر اساس زمان صدور حکم

گروهی دیگر از حقوقدانان مانند «مازو» معتقدند که حکم صادره منشأ شکل گیری حق مطالبه خسارت است. طبق این نظر، حق جبران خسارت تنها پس از صدور حکم مشخص می شود و باید تمام عناصر و شرایط زمان صدور حکم مد نظر قرار گیرد. این نظر بر این اساس استوار است که زمانی که حکم صادر می شود، حق قابل مطالبه است و باید در این زمان ارزش زیان را ارزیابی کرد (مازو، ۱۹۳۶).

ارزیابی و تعیین خسارت در عمل: در پرونده های جبران خسارت معنوی، با توجه به تأثیرات روانی و وضعیت روحی زیان دیده، بسیاری از سیستم های قضائی به قاضی این اختیار را داده اند که در زمان صدور حکم، شرایط روحی و روانی زیان دیده را نیز مدنظر قرار دهد. در برخی از قوانین، مانند رای دیوان کشور فرانسه در سال ۱۹۶۲، تصریح شده است که خسارت باید بر اساس ارزش آن در زمان صدور حکم محاسبه و ارزیابی شود (دیوان کشور فرانسه، ۱۹۶۲). این دیدگاه به این دلیل مطرح می شود که برخی از خسارت ها ممکن است در طول زمان تشدید شوند، به ویژه در مواردی که زیان های معنوی ناشی از آسیب های روحی یا روانی هستند. در نهایت، نظر غالب این است که اگر در زمان صدور حکم، ارزش خسارت بیشتر از زمان وقوع آن باشد، باید زمان صدور حکم را ملاک ارزیابی قرار داد. این رویکرد بیشتر با اصول عدالت و انصاف هم خوانی دارد، زیرا در

آن زمان است که زیان دیده می‌تواند خسارت خود را دریافت کرده و از آن بهره‌مند شود.

ملاك ارزیابی خسارت در فرض تعدد اسباب

در بسیاری از موارد، عوامل مختلفی در ایجاد خسارت‌های مادی و معنوی نقش دارند. ممکن است علاوه بر شخص زیان‌کار، خود زیان‌دیده یا اشخاص ثالث دیگری نیز در ایجاد خسارت مؤثر باشند. در چنین شرایطی، پرسش این است که مسئولیت نسبت به عوامل متعدد چگونه ارزیابی می‌شود؟

در رویه قضائی قدیم فرانسه، همگی اسباب و شرایطی که در ایجاد زیان مؤثر بوده‌اند، اعم از اینکه نزدیک یا دور، مستقیم یا غیرمستقیم، مقدم یا مؤخر باشند، به عنوان سبب و علت زیان تلقی می‌شوند. بنابراین، هر یک از اسباب مسئولیت یکسانی دارند. این نظریه به «برابری اسباب» مشهور است (حسنی، [بی‌تا]، ص ۸۹). این رویه قضائی در فرانسه مورد پذیرش قرار گرفت، اما رویه جدید قضائی از این دیدگاه فاصله گرفت و معتقد است که تنها حوادثی باید علت خسارت شناخته شوند که به طور عادی و در مسیر متعارف موجب ضرر می‌شوند (سنهوری، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۹۰۵؛ کاتوزیان، ۱۳۷۰، ص ۳۷۴).

در میان حقوقدانان فرانسوی، «پوتیه» اعتقاد دارد که نزدیک‌ترین و آخرین سبب بی‌واسطه مسئول زیان وارده است (کاتوزیان، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۳۸۵). در فقه امامیه، نظر مشهور فقها این است که سبب مقدم در تأثیر مسئول است؛ به این معنا که اگر اسباب متعدد در ایجاد زیان دخالت کرده‌اند، مسئولیت بر عهده سببی است که زودتر اثر گذاشته است (شهید ثانی، [بی‌تا]، شرح لمعه، ص ۳۵۵).

با این حال، این نظر مورد نقد برخی از فقها قرار گرفته است که معتقدند تمامی اسباب مؤثر مسئول هستند و این نظریه به «اشتراک در ضمان» مشهور است. این نظریه با «برابری اسباب» متفاوت است؛ زیرا در نظریه برابری اسباب، تمامی اسباب دور و نزدیک مورد توجه قرار می‌گیرند، در حالی که در فقه امامیه، حوادث دور معمولاً مستند به زیان نمی‌شود. علاوه بر این، در «برابری اسباب»، ضمان تضامنی پذیرفته می‌شود، در حالی که در «اشتراک در ضمان» خسارت به تساوی ارزیابی و تقسیم می‌شود (خوبی، [بی‌تا]، ص ۲۶۰).

عده‌ای از فقها مانند فاضل اصفهانی معتقدند که سببی که در پدیدآوری زیان تأخر زمانی دارد، مسئول زیان است. برخی دیگر از فقها، سبب قوی‌تر را مسئول می‌دانند (فاضل اصفهانی،

۱۴۰۵، ج ۲، ص ۴۸۹). به نظر می‌رسد که فقه امامیه برای هر مورد و مسئله خاص، ملاک متناسب را ارائه کرده است و نمی‌توان یک نظریه مطلق را برای همه موارد در نظر گرفت.

در نقد نظر مشهور فقهای امامیه گفته شده که دلیل فقهی قابل استناد برای این نظر وجود ندارد و استصحاب به ویژه در این زمینه قابل اعمال نیست. به عبارت دیگر، اثر سبب اول قبل از ایجاد سبب دوم قابل استصحاب نیست، بلکه باید هر دو سبب را مسئول دانست و در نهایت ضمان به طور مساوی بر هر دو سبب تحمیل می‌شود (نجفی، ۱۳۶۷، ص ۳۷).

بنابراین، نظر مشهور فقها مبنای مستحکمی ندارد و در موارد مختلف باید با توجه به عرف و شرایط خاص، مسئولیت و سهم هر یک از اسباب در جبران خسارت تعیین شود. به عبارت دیگر، معیار اصلی در تشخیص مسئولیت، عرف است و مسئولیت به هر یک از اسباب بر اساس عرف و با توجه به سهم هر کدام در ایجاد زیان تقسیم می‌شود.

ارزیابی و تقویم خسارت معنوی ناشی از آسیب‌های جسمی

خسارت معنوی ناشی از آسیب‌های جسمی به اشخاص حقیقی، به طور خاص به دو بخش مادی و معنوی تقسیم می‌شود. خسارت‌های مادی ناشی از آسیب‌های جسمی در حقوق طبق قواعد عمومی مسئولیت مدنی قابل مطالبه است. در حقوق اسلامی نیز براساس دیه، قاعده لاضرر، قاعده لاجرح، حکم عقل و بنا بر عقلا، امکان مطالبه خسارت وجود دارد. این خسارت‌ها شامل از دست دادن منافع، هزینه‌های معالجه، بیکاری و نیاز به پرستار می‌شود که در این موارد دادرس به کارشناسان ارجاع می‌دهد تا آن‌ها میزان خسارت مالی را ارزیابی کنند (پروین، ۱۳۷۹).

در ارزیابی و تقویم خسارت‌های معنوی ناشی از آسیب‌های جسمی، مانند درد، رنج، از بین رفتن زیبایی، اختلال در تعادل بدن، از دست دادن توانایی‌های فیزیکی مانند بینایی، شنوایی، یا توانایی‌های ذهنی، دو دیدگاه اصلی وجود دارد. در دیدگاه نخست، هدف از جبران خسارت معنوی، بازگرداندن وضعیت آسیب‌دیده به حالت اولیه است، به طوری که تمام درد و رنج‌های ناشی از آسیب جسمی باید جبران شود. دیدگاه دوم به روش عملی (Functional Approach) معروف است که هدف آن تأمین رضایت خاطر و خشنودی زیان‌دیده است. در این دیدگاه، خسارت به‌طور مستقیم از زیان ملموس فرد، که او شخصاً تجربه کرده، ارزیابی می‌شود (پروین، ۱۳۷۹).

در برخی کشورها مانند فرانسه، هر دو دیدگاه برای ارزیابی خسارت‌های معنوی ناشی از آسیب‌های جسمی مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این حال، بسیاری از کشورها با وجود پذیرش

جبران خسارت معنوی، تلاش کرده‌اند تا آن را تحت ضوابط خاصی درآورند. در حقوق اسلامی و ایران، برای بسیاری از آسیب‌های جسمی دیه پیش‌بینی شده است، و در مواردی که دیه مشخص نشده، میزان خسارت تحت عنوان ارش به عهده حاکم قرار می‌گیرد. در حقوق اسلامی، معیار ارزیابی دیه در قتل از شش مورد خاص شامل یکصد شتر، دویست گاو، هزار گوسفند، دویست دست لباس، هزار دینار مسکوک و ده هزار درهم مسکوب تشکیل شده است. در حقوق ایران، طبق بخشنامه دفتر رهبری، دیه فقط براساس قیمت شتر، گاو و گوسفند تعیین می‌شود (مرعشی، ۱۳۷۳).

در حقوق اسلامی، دیه به عنوان یک تعریفی قانونی ثابت در نظر گرفته می‌شود که به میزان یکصد شتر ارزش دارد، اما در عمل با توجه به تغییرات اقتصادی، این مقدار متغیر است. ویژگی مهم دیه این است که در ارزیابی آسیب‌های مشابه جسمی، واحدی یکسان برای همه افراد وجود دارد، که این امر باعث یکپارچگی قضاوت‌ها می‌شود. یکی از مسائل مهم در ارزیابی خسارت معنوی ناشی از آسیب‌های جسمی، رابطه منافع عضو با خود عضو است. سوال این است که آیا منفعت یک عضو همیشه یک موضوع مستقل از خود عضو است یا خیر؟ برخی از فقیهان، در صورت از بین رفتن کامل هر منفعت، حکم به دیه کامل داده‌اند. برای نمونه، در مورد از دست دادن حس چشایی، برخی دیه کامل را ضروری دانسته‌اند، در حالی که برخی دیگر آن را مشمول قاعده نمی‌دانند و حکم به واجب بودن دیه را بعید می‌شمارند (حرعاملی، بی‌تا).

قانون مجازات اسلامی برای برخی از منافع معنوی مانند از دست دادن عقل یا توان مقاربت دیه کامل پیش‌بینی کرده است. همچنین در مورد سایر منافع معنوی که به طور کامل از بین رفته یا دچار نقصان می‌شوند، ارش تعیین می‌شود. در نهایت، قانونگذار اصل عدم تداخل دیه اعضا و منافع را پذیرفته و در ارزیابی خسارت‌ها باید به این نکته توجه شود که دیه اعضا و منافع با یکدیگر تداخل ندارند (خوئی، بی‌تا). در قانون مجازات اسلامی، مطابق با فقه امامیه، برای برخی از منافع معنوی، دیه پیش‌بینی شده است. برای مثال، ماده ۴۴۴ این قانون به صراحت اعلام می‌کند که هرگونه جنایتی که موجب زوال عقل شود، دیه کامل دارد و در صورتی که جنایت منجر به نقصان عقل گردد، ارش (جبران مالی) تعیین می‌شود. همچنین، ماده ۴۷۶ در رابطه با از بین رفتن توان مقاربت به طور کامل، دیه کامل را پیش‌بینی کرده است.

ماده ۴۷۷ این قانون در زمینه زوال یا نقصان برخی منافع به طور کلی چنین بیان می‌کند که

اگر جنایتی موجب از بین رفتن یا نقص بعضی منافع مانند خواب، لمس، یا بروز بیماری های خاص گردد و دیه آن مشخص نباشد، ارش باید تعیین شود. در اینجا تاکید شده است که هیچ حقی از کسی نباید از دست برود و صحیحی از ائمه علیهم السلام نیز این مسئله را تایید کرده است (همان منبع، ص ۲۱۲).

بنابراین، منافع مورد اشاره در این مواد، شامل منافع مادی و معنوی است. برای نمونه، در بند ۳ ماده ۴۷۵ قانون مجازات اسلامی، در مورد از بین بردن لذت مقاربت که یک منفعت معنوی است، ارش تعیین شده است. همچنین، برای از بین بردن مو که به نوعی به زیبایی و منافع معنوی فرد مرتبط است، دیه یا ارش پیش بینی شده است. ماده ۳۷۳ قانون مجازات اسلامی تصریح می کند که از بین بردن مو تنها در صورتی دیه یا ارش دارد که به طور مستقل باشد، نه اینکه با از بین بردن عضو یا کندن پوست همراه باشد؛ زیرا در این موارد تنها دیه عضو قطع شده یا مشابه آن پرداخت می شود.

از این مواد، می توان نتیجه گرفت که قانون گذار اصل عدم تداخل منافع با اعضا را پذیرفته است. بدین معنا که خسارت های ناشی از آسیب های جسمی یا نقص اعضا باید به طور جداگانه ارزیابی و جبران شوند. لذا، قاضی در ارزیابی خسارت های جسمی باید به این اصل توجه کامل داشته باشد تا از تداخل در تعیین میزان دیه و ارش جلوگیری شود.

روش های جبران خسارت معنوی در لطمه های معنوی

لطمه های روحی و روانی که انسان ها در طول زندگی تجربه می کنند، ممکن است از عوامل مختلفی ناشی شود. این آسیب ها می تواند به دنبال وقوع وقایعی مانند ضرب و جرح، تغییرات فیزیکی همچون نقص عضو، از دست دادن عزیزان، ترس و وحشت، هتک حرمت باورهای دینی یا ملی، تجاوز به حریم خصوصی، آدم ربایی، یا آسیب به حیثیت فردی و اجتماعی باشد. از آنجا که این نوع آسیب ها می توانند تأثیرات شدید و طولانی مدتی بر روح و روان فرد بگذارند، نیاز به جبران این خسارت ها به عنوان یک اصل پذیرفته شده در نظام های حقوقی مختلف مطرح می شود.

در حقوق اسلامی، علاوه بر آنکه فرد مرتکب برخی از این اعمال ممکن است تحت تعزیرات غیرمالی قرار گیرد، حاکم می تواند مجازات های مالی را نیز برای جبران خسارت های معنوی در نظر بگیرد. یکی از روش های رایج برای جبران خسارت های معنوی، استفاده از روش های غیرمادی است. به طور مثال، در حقوق ایران، ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی پیش بینی کرده که علاوه بر

صدور حکم برای جبران خسارت مالی، دادگاه می‌تواند حکم به عذرخواهی شفاهی یا کتبی، یا درج عذرخواهی در مطبوعات و رسانه‌ها بدهد (نقیبی، ۱۳۸۶). این گونه اقدامات نه تنها تأثیرات منفی ناشی از آسیب‌ها را کاهش می‌دهد، بلکه موجب تسکین خاطر و آرامش روانی فرد زیان‌دیده نیز می‌شود.

علاوه بر این، در ماده ۲۰۷ قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان، شاکی خصوصی این امکان را دارد که از دادگاه درخواست کند که مفاد حکم صادره در یکی از روزنامه‌ها به هزینه خود درج شود. این ماده به‌طور خاص بر موضوع جبران خسارت معنوی از طریق رسانه‌ها تأکید دارد و حاکی از این است که روش‌های غیرمادی همچنان جزء ابزارهای قانونی برای جبران آسیب‌های معنوی به‌شمار می‌روند.

در برخی موارد، جبران خسارت معنوی از طریق ممانعت از ادامه رفتار زیان‌بار ممکن است ضروری باشد. به‌عنوان مثال، اگر فردی با انتشار یک کتاب به باورهای دینی یا احساسات مذهبی مردم توهین کند، تنها اعمال مجازات نمی‌تواند پاسخگوی خسارت معنوی وارد شده باشد. در این گونه موارد، باید از انتشار و توزیع کتاب جلوگیری شود. این نشان می‌دهد که علاوه بر جبران خسارت مالی، توجه به جلوگیری از آسیب‌های بیشتر به شدت اهمیت دارد (سلطانی‌نژاد، ۱۳۸۰). در زمینه صدمات روحی و روانی، ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز به‌طور خاص به جبران خسارت معنوی ناشی از صدمات روحی و روانی اشاره کرده است. این آسیب‌ها شامل آزرده‌گی خاطر، افسردگی، پریشانی روانی، ترس و وحشت ناشی از وقایع ناگوار همچون تصادف یا توقیف غیرقانونی، یا حتی تغییرات ظاهری فرد بر اثر حادثه است. چنین آسیب‌هایی به‌طور مستقیم به روان و احساسات فرد آسیب می‌زنند و باید از طریق احکام قانونی به نحوی جبران شوند (نقیبی، ۱۳۸۶).

در حقوق بین‌الملل و برخی کشورهای غربی مانند فرانسه، جبران خسارت‌های معنوی در برخی موارد پیش‌بینی شده است. در این کشورها، حتی در غیاب جرم مشخص، خسارت‌های معنوی قابل جبران است و این جبران اغلب از طریق پرداخت مبلغی پولی صورت می‌گیرد. البته در چنین مواردی جبران عینی خسارت‌های معنوی، نظیر بهبود وضعیت روحی یا احساسی فرد، کمتر ممکن است (لوراسا، ۱۳۷۵).

در بسیاری از سیستم‌های حقوقی، هدف از جبران خسارت معنوی تنها بازگرداندن وضعیت

فرد به حالت پیشین نیست، بلکه در این فرآیند به دنبال تسکین خاطر فرد زیان دیده و مجازات عامل زیان نیز هست. برخی از اهداف جبران خسارت معنوی عبارتند از: ۱) بازگرداندن وضعیت زیان دیده به حالت پیش از وقوع آسیب، ۲) تسکین و آرامش خاطر فرد زیان دیده، و ۳) مجازات و تنبیه عامل خسارت (غمامی، ۱۳۶۷). این اهداف باعث می شود که جبران خسارت معنوی به یک مقوله پیچیده و چندوجهی تبدیل شود که به طور معمول به جبران همزمان خسارت مالی و غیرمالی می انجامد (نقیبی، ۱۳۸۶).

در نظام های قانونی مانند ایران، جبران خسارت های معنوی در کنار مجازات های کیفری پیش بینی شده است. به طور مثال، در مواردی که فردی اقدام به توهین به دیگران در مطبوعات کند، علاوه بر اینکه مجازات برای این عمل در نظر گرفته می شود، حق مطالبه خسارت معنوی از جانب فرد زیان دیده نیز محفوظ است. این امر نشان می دهد که جبران خسارت ها در قوانین ایران همزمان با اعمال مجازات قابل تحقق است (سلطانی نژاد، ۱۳۸۰).

در خصوص مسئولیت دولت در جبران خسارت های معنوی و مادی، باید گفت که دولت در موارد مختلف مسئول جبران خسارت است. اگر کارکنان دولت در حین انجام وظایف خود به شخصی آسیب وارد کنند، دولت باید خسارت را جبران کند. این مسئولیت به طور خاص در اصل ۱۷۱ قانون اساسی ایران نیز ذکر شده است که دولت مسئول جبران خسارت ناشی از اشتباه قاضی است. البته، دولت در برخی شرایط خاص از مسئولیت معاف است، به ویژه در مواردی که اقدامات آن در جهت تأمین منافع عمومی و طبق قانون انجام شود (سلطانی نژاد، ۱۳۸۰). به عبارت دیگر، دولت در چارچوب حاکمیتی خود نمی تواند مسئول جبران خسارت های ناشی از برخی اقدامات ضروری و قانونی باشد، مگر اینکه این اقدامات به طور غیرمنتظره و اجتناب ناپذیر به شخص زیان دیده آسیب وارد کند.

در نهایت، جبران خسارت های معنوی و مادی در سیستم های مختلف حقوقی، به ویژه در حقوق ایران و حقوق بین الملل، با هدف بازگرداندن وضعیت فرد به حالت پیشین و کاهش آثار منفی آسیب ها صورت می گیرد. این فرآیند می تواند شامل جبران های مالی و غیرمالی باشد که در بسیاری از موارد به طور همزمان انجام می شود.

شرایط مطالبه ی خسارت معنوی

در بحث خسارت معنوی، به ویژه وقتی فرد زیان دیده فوت می کند، مسائل پیچیده ای در رابطه

با اینکه چه افرادی مستحق مطالبه خسارت هستند، مطرح می‌شود. این‌گونه مطالبات، علاوه بر زیان‌های مالی، شامل خسارت‌های غیرمادی یا معنوی نیز می‌شوند که ناشی از تأثیرات عاطفی و روانی حادثه بر بازماندگان است. در بررسی این مطالبات، رویه‌ها و قوانین مختلفی مورد توجه قرار می‌گیرد.

افراد مستحق مطالبه خسارت معنوی، در قانون مدنی ایران، فردی که به طور مستقیم زیان دیده است، معمولاً شخصی است که بدون واسطه دچار آسیب شده باشد و حق اقامه دعوی دارد. با این حال، اگر این فرد فوت کند، آیا بازماندگان می‌توانند خسارت معنوی وارد شده به وی را مطالبه کنند؟ پاسخ به این سوال به رابطه بازماندگان با زیان‌دیده و میزان تأثیر حادثه بر زندگی عاطفی و روانی آنان بستگی دارد.

محدودیت در تعیین افراد مستحق، برای پیشگیری از افزایش دعاوی، اصولاً قوانین بر این امر تأکید دارند که فقط زیان‌های مستقیم و اشخاصی که به شکل نزدیک با فرد متوفی در ارتباط بوده‌اند، بتوانند این مطالبه را داشته باشند. البته این امر با چالش‌هایی همراه است، چرا که عدالت ایجاب می‌کند در شرایطی که فردی از نظر عاطفی به شدت آسیب دیده است، امکان اقامه دعوی را داشته باشد. به عنوان مثال، دادگاه‌های فرانسه رویه‌ای را در نظر گرفته‌اند که افراد غیرخویشاوند نیز می‌توانند، در صورت اثبات آسیب عاطفی شدید، برای مطالبه خسارت معنوی اقدام کنند.

مطالبه خسارت معنوی از سوی بازماندگان، در قوانین ایران و طبق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، جبران خسارت معنوی برای فردی که به واسطه حادثه‌ای متأثر شده باشد، به رسمیت شناخته شده است. در این راستا، خسارات معنوی منحصر به خویشاوندان نزدیک نبوده و می‌تواند شامل افراد دیگر نیز شود، البته با این شرط که زیان و تأثرات وارده به این افراد قابل اثبات باشد. در نهایت، رویه قضایی تمایل دارد که این مطالبه محدود به افراد نزدیک، مانند والدین، همسر، فرزندان و به طور کلی خویشاوندان نسبی یا سببی باشد تا از باز شدن مسیر برای دعاوی بی‌پایه و نابجا جلوگیری شود.

نظریه عدم امکان انتقال خسارت معنوی به ورثه، برخی حقوق‌دانان معتقدند که سرمایه‌های معنوی بخشی از شخصیت فرد زیان‌دیده بوده و با مرگ او از بین می‌رود، لذا ورثه نمی‌توانند مطالبه خسارت معنوی را دنبال کنند. هدف از جبران خسارت معنوی نیز رضایت زیان‌دیده بوده که پس

از مرگ بی معنی می شود. این نظریه توسط حقوق دانان فرانسه همچون ریپر، بولانژه، و پلانبول حمایت می شود.

نظریه انتقال خسارت معنوی به شرط مطالبه قبل از فوت، بر اساس این نظریه، اگر زیان دیده قبل از مرگ خود دعوی جبران خسارت را مطرح کرده باشد، این حق به ورثه منتقل می شود زیرا حق مطالبه تبدیل به یک حق مالی شده است. این نظریه نیز در برخی از رویه های قضایی فرانسه مورد پذیرش قرار گرفته است.

نظریه امکان انتقال حق مطالبه خسارت معنوی به ورثه بدون شرط، طبق این نظریه، حق مطالبه خسارت معنوی مشابه با خسارت مادی به ورثه منتقل می شود زیرا ورثه ادامه دهنده شخصیت متوفی هستند و می توانند از حقوق وی دفاع کنند. این نظریه به ویژه در حقوق اسلامی نیز به شکل مشابهی مورد توجه قرار گرفته است، جایی که ورثه می توانند مطالبه حد قذف را به عنوان یک حق معنوی مطالبه کنند.

تفکیک بین خسارت بدنی و معنوی، در حقوق فرانسه و برخی نظام های حقوقی دیگر، خسارت بدنی به عنوان یک نوع خسارت ترکیبی (مادی و معنوی) تلقی شده و به صورت خاصی قابل انتقال به ورثه است. در برخی موارد، اگر زیان دیده قبل از فوت دچار درد و رنج شده باشد، این حق به ورثه منتقل می شود.

خسارت معنوی غیرمستقیم و امکان مطالبه توسط خانواده زیان دیده، در مواردی که زیان دیده فوت نکرده است، امکان دارد که خانواده زیان دیده خسارت معنوی غیرمستقیم خود را مطالبه کنند، مانند خسارت عاطفی والدین به دلیل معلولیت فرزندشان. در فرانسه این نوع خسارت نیز مورد پذیرش قرار گرفته است.

در مجموع، نظرات حقوقی متنوعی در این زمینه وجود دارد و حقوق کشورهای مختلف بر اساس ملاحظات فرهنگی، حقوقی، و فلسفی، دیدگاه های متفاوتی در قبال انتقال خسارت معنوی به ورثه اتخاذ کرده اند.

در بحث کاهش یا رفع مسئولیت مدنی در خسارت معنوی، در شرایطی که زیان دیده دچار خسارت شده و عامل زیان باید خسارت را جبران کند، گاهی به دلایلی مسئولیت عامل کاهش یافته یا به طور کامل رفع می شود. این دلایل شامل عواملی همچون دخالت اسباب خارجی، عوامل توجیه کننده زیان، یا قراردادهای خاص می شود که میان عامل و زیان دیده برقرار شده است. در

قوانین ایران، به‌ویژه در قانون مسئولیت مدنی، مواد مختلفی همچون ماده‌های ۴، ۱۵، و ۶۱ قانون مجازات اسلامی به این موارد اشاره دارند.

اسباب معافیت، عوامل معافیت شامل مواردی مانند دخالت اسباب خارجی (نیروهای خارج از کنترل عامل)، کمک به زیان‌دیده، و در مواردی توجیه حقوقی مانند دفاع مشروع است که موجب کاهش یا رفع مسئولیت عامل زیان می‌شود. برای مثال، در صورتی که عامل پس از وقوع زیان به زیان‌دیده کمک مؤثری کرده باشد، یا زیان ناشی از غفلت بوده و جبران آن موجب عسرت عامل زیان شود، دادگاه می‌تواند میزان خسارت را تخفیف دهد.

قوه قاهره، به معنای حادثی است که خارج از کنترل عامل و غیرقابل پیش‌بینی است، مانند زلزله یا طوفان. در صورتی که چنین حادثی تنها علت ورود زیان باشند، عامل زیان مسئولیتی نخواهد داشت. اما اگر در وقوع زیان، هم تقصیر عامل و هم یک حادثه خارجی (قوه قاهره) دخیل باشند، مسئولیت ممکن است تقسیم یا کاهش یابد.

تقصیر زیان‌دیده، در مواردی که تقصیر زیان‌دیده در وقوع حادثه نقش داشته باشد، مسئولیت عامل ممکن است کاهش یابد یا به‌طور کامل رفع شود. برای مثال، اگر شخصی عمداً خود را در معرض خطر قرار دهد و دچار زیان شود، مسئولیت بر عهده خود اوست. اما اگر تقصیر زیان‌دیده و عامل زیان هر دو در بروز حادثه نقش داشته باشند، مسئولیت بین آن‌ها تقسیم می‌شود. در این موارد، میزان مسئولیت هر طرف بر اساس درجه تقصیر آن‌ها تعیین می‌شود و قاضی می‌تواند میزان خسارت را متناسب با میزان تقصیر کاهش دهد.

رضایت زیان‌دیده، در مورد تأثیر رضایت زیان‌دیده بر رفع مسئولیت مدنی و مشروعیت فعل زیانبار، دیدگاه‌های گوناگونی مطرح است. برخی معتقدند رضایت زیان‌دیده نمی‌تواند عدم مشروعیت فعل زیانبار را تغییر دهد، زیرا معیار مشروعیت بر اساس هنجارهای عرفی و اجتماعی تعیین می‌شود و نمی‌توان آن را با توافق خصوصی تحت تأثیر قرار داد (قائم‌مقام فراهانی، ۱۳۷۷). گروهی دیگر بر این باورند که در صورت خسارت به اموال، به دلیل سلطه مالکانه زیان‌دیده، رضایت او می‌تواند عنصر تقصیر را حذف کند. اما این اصل در مورد خسارت‌های عمدی صادق نیست، چرا که این نوع زیان‌ها به دلیل مخالفت با نظم عمومی و اخلاق حسنه، حتی با وجود رضایت، همچنان موجب مسئولیت هستند (کاتوزیان، ۱۳۷۰).

در خصوص زیان‌های جسمی و صدمات به شخصیت، رضایت زیان‌دیده هیچ تأثیری در رفع

مسئولیت ندارد، زیرا جسم و شخصیت انسان دارای چنان ارزشی است که نمی‌توان آن‌ها را موضوع توافق یا قرارداد قرار داد. به همین دلیل، اگر شخصی حتی با رضایت دیگری او را مجروح کند یا به قتل برساند، عمل او نامشروع بوده و موجب مسئولیت مدنی است (نجفی، ۱۳۶۷).

براساس ماده ۳۱۹ قانون مجازات اسلامی، پزشک مسئول آسیب‌های وارد شده است، مگر آنکه طبق ماده ۳۲۲ رضایت یا براءت بیمار را اخذ کرده باشد. اما برخی از فقها معتقدند که اگر پزشک با درخواست بیمار او را درمان کند، حتی بدون اخذ براءت، مسئول نخواهد بود (ابن ادريس حلی، ۱۴۱۰).

در نهایت، رضایت زیان‌دیده نمی‌تواند مسئولیت را به کلی رفع کند؛ بلکه در مواردی، قاضی می‌تواند با در نظر گرفتن رضایت او، میزان خسارت را کاهش دهد. همچنین، رضایت پیشین نمی‌تواند حقی را از زیان‌دیده نسبت به حیثیتش ساقط کند (مجلسی، ۱۳۶۳).

نتیجه‌گیری

خسارت‌ها به‌طور کلی به دو دسته مادی و معنوی تقسیم می‌شوند. خسارت مادی به آسیب‌هایی اطلاق می‌شود که به دارایی‌های فیزیکی و مالی فرد وارد می‌شود، مانند از دست دادن مال یا صدمه به اموال شخصی. در حالی که خسارت معنوی به آسیب‌هایی اشاره دارد که جنبه غیرملموس دارند و به روحیات، شخصیت، عواطف و حقوق غیرمالی فرد آسیب می‌زنند. این نوع از خسارت پیچیده‌تر از خسارت مادی است زیرا ارزیابی آن دشوارتر بوده و در بیشتر موارد نمی‌توان به‌طور دقیق آن را به صورت مالی اندازه‌گیری کرد.

خسارت معنوی خود به سه دسته اصلی تقسیم می‌شود. دسته اول خسارت‌هایی است که به عواطف و احساسات فرد وارد می‌شود. این نوع خسارت شامل آسیب‌های روحی و روانی ناشی از وقایع تلخ و ناگوار مانند مرگ یک عزیز، آسیب‌های روحی ناشی از بیماری یا صدمات جسمی، آسیب به زیبایی فرد، و یا هرگونه رنج روحی و عاطفی دیگری می‌باشد که به‌طور مستقیم با احساسات و عواطف فرد مرتبط است. این نوع خسارت جنبه درونی دارد و قابل لمس و مشاهده نیست.

دسته دوم خسارت‌هایی هستند که به سرمایه‌های معنوی و حقوق غیرمالی انسان‌ها وارد می‌شوند. این دسته از خسارات به حقوق بنیادی افراد، همچون حق زندگی، حق آزادی، حق

سلامت، و سایر حقوق طبیعی و غیرمالی انسان‌ها اشاره دارد. به‌عنوان مثال، اگر فردی از حق آزادی خود محروم شود یا سلامتی او به خطر بیفتد، این نوع خسارت‌ها به‌عنوان خسارت معنوی به حساب می‌آیند. همچنین، این خسارت‌ها ممکن است شامل حقوقی شوند که فرد با تلاش خود به‌دست آورده است، مانند حق معنوی یک فرد نسبت به دستاوردهای علمی، هنری یا فنی خود. دسته سوم خسارت معنوی مربوط به آسیب به سرمایه‌های معنوی شرکت‌ها و موسسات است. این نوع خسارت‌ها شامل آسیب به شهرت، اعتبار، و حیثیت شرکت‌ها و موسسات تجاری و غیرتجاری می‌شود. برای مثال، اگر اعتبار یک شرکت به‌دلیل افشای اطلاعات غلط یا توهین به آن آسیب ببیند، می‌توان از این دسته از خسارت‌ها نام برد.

یکی از مهم‌ترین موارد خسارت معنوی در ارتباط با آسیب به شخصیت افراد است. این نوع خسارت‌ها معمولاً از توهین، هتک حیثیت، افترا، بازداشت غیرقانونی، سلب آزادی، محرومیت از حقوق مدنی، و دخالت در امور خصوصی و محرمانه افراد ناشی می‌شود. این خسارت‌ها به‌ویژه از آن جهت اهمیت دارند که اغلب جبران آن‌ها به‌طور کامل امکان‌پذیر نیست، چرا که این آسیب‌ها به شخصیت فرد و حقوق غیرمالی او وارد می‌شود که با هیچ مبلغ مالی نمی‌توان آن‌ها را به‌طور کامل جبران کرد. بنابراین، جبران این‌گونه خسارت‌ها از طریق راه‌های قانونی باید در اولویت قرار گیرد تا از ایجاد ظلم و اجحاف به افراد جلوگیری شود.

خسارت‌های معنوی همچنین ممکن است به اشخاص حقوقی (شرکت‌ها و سازمان‌ها) وارد شود. در این موارد، این نوع خسارت‌ها معمولاً به شخصیت و اعتبار آن سازمان یا شرکت مرتبط می‌شود، اما این نهادها قادر به احساس درد و رنج جسمانی یا عاطفی ناشی از فقدان یک فرد یا آسیب به عزت نفس خود نیستند. بنابراین، در خسارت‌های معنوی به اشخاص حقوقی تنها آسیب به حیثیت و اعتبار آن‌ها قابل توجه است.

در خصوص جبران خسارت معنوی، قوانین ایران و بسیاری از نظام‌های حقوقی دیگر برای این نوع خسارت‌ها راه‌حلی پیش‌بینی کرده‌اند. در حالی که برخی از فقهاء و حقوق‌دانان ممکن است با جبران مالی خسارت معنوی مخالفت کنند، اما طبق قواعد حقوقی و فقهی مانند «قاعده لاضرر» و «قاعده عسر و حرج»، جبران خسارت معنوی به‌طور کلی مورد تأیید است. این قواعد بیان می‌کنند که هر فردی که به دیگری خسارت وارد کند، مسئول جبران آن است، چه این خسارت مالی باشد و چه معنوی.

با وجود این، همچنان در رویه قضایی ایران اختلاف نظرهایی در خصوص جبران مالی خسارت معنوی وجود دارد. به ویژه نظر شورای نگهبان در برخی موارد به طور ضمنی جبران مالی خسارت معنوی را غیرمجاز دانسته است. اما از سوی دیگر، برخی دادگاه‌ها در موارد خاص به جبران خسارت معنوی از طریق پرداخت مالی یا سایر روش‌ها پرداخته‌اند.

در مقایسه با حقوق سایر کشورها، در حقوق فرانسه از سال ۱۸۳۳ جبران مالی خسارت معنوی به طور رسمی پذیرفته شده است. در ایران نیز برای اولین بار در سال ۱۳۰۴ و در ماده ۲۱۲ قانون مجازات عمومی، جبران خسارت معنوی مورد تأیید قرار گرفت. با این حال، به دلیل پیچیدگی‌ها و تنوع خسارت‌های معنوی، جبران این خسارت‌ها همواره با چالش‌هایی روبرو است و نیازمند توجه به ویژگی‌های فردی و اجتماعی زیان دیده است. برای مثال، برخی از خسارت‌های معنوی مانند از دست دادن عزیزان یا صدمات روحی ناشی از آسیب‌های جسمی ممکن است به سختی قابل جبران باشند و نیازمند در نظر گرفتن شرایط روانی و عاطفی فرد زیان دیده باشد.

با توجه به پیچیدگی‌های جبران خسارت معنوی و دشواری‌های ارزیابی آن، لازم است که دادگاه‌ها و مقامات قضایی از اختیارات لازم برخوردار باشند تا بتوانند در هر مورد خاص، با در نظر گرفتن شرایط فردی زیان دیده، بهترین روش برای جبران خسارت معنوی را انتخاب کنند. در بسیاری از موارد، جبران کامل خسارت معنوی ممکن نیست، اما دادگاه‌ها می‌توانند با استفاده از روش‌های مختلف مانند جبران مالی، تعیین خسارت اسمی، یا کیفر مالی، اقدام به جبران خسارت معنوی کنند.

در نهایت، جبران خسارت معنوی یک موضوع پیچیده است که باید با دقت و توجه به جزئیات هر مورد بررسی شود. در بسیاری از موارد، قانون‌گذاران و دادگاه‌ها باید به طور دقیق و با رعایت اصول عدالت و انصاف، تصمیمات مناسبی برای جبران خسارت معنوی اتخاذ کنند تا از بروز ظلم و اجحاف به افراد جلوگیری شود.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. درخشان نیا، حمید، ۱۳۷۶، پایان نامه ضرر و زیان ناشی از جرم، دانشگاه شهید بهشتی.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۶، دانشنامه حقوقی، تهران، امیرکبیر.
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۵۷، دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت، تهران، بنیاد راستاد.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۸، مبسوط در ترمینولوژی حقوقی، تهران، گنج دانش.
۵. سلطانی نژاد، هدایت الله، ۱۳۸۰، مسئولیت مدنی (خسارت معنوی) [بی جا]، نور الثقلین.
۶. صفایی، حسین، ۱۳۷۵، حقوق بین الملل و داوریهای بین المللی، تهران، نشر میزان.
۷. صفایی، حسین، ۱۳۵۵، مفاهیم و ضوابط جدید در حقوق مدنی، تهران، مرکز تحقیقات.
۸. صفایی، حسین، ۱۳۷۵، مقالاتی درباره‌ی حقوق مدنی و تطبیقی، تهران، نشر میزان.
۹. صفایی، حسین، قاسم زاده، ۱۳۷۶، حقوق مدنی (اشخاص محجورین)، تهران، سمت.
۱۰. قاسم زاده، مرتضی، ۱۳۷۸، مبانی مسئولیت مدنی، تهران، دادگستر.
۱۱. قائم مقامی فراهانی، عبدالحمید، ۱۳۷۷، حقوق بین الملل « رویه قضایی تهران»، پازنگ.
۱۲. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۱، حقوق مدنی (الزامهای خارج از قرارداد، ضمان قهری)، دانشگاه تهران.
۱۳. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۶، حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، تهران، شرکت انتشار یاهمکاری شرکت بهمن برنا.
۱۴. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۰، حقوق مدنی (مسئولیت مدنی و ضمان قهری)، تهران، دانشگاه تهران.
۱۵. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۶۵، فلسفه‌ی حقوق، انتشارات بهنشر، ج ۱، چاپ پنجم.
۱۶. محقق داماد، مصطفی، ۱۳۶۳، قواعد فقه (بخش مدنی) تهران، نشر علوم اسلامی.
۱۷. محقق داماد، مصطفی، ۱۳۷۳، قواعد فقه (بخش مدنی ۲)، تهران، سمت.
۱۸. محمدی، ابوالحسن، ۱۳۷۳، مبانی استنباط حقوق اسلامی، ناشر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ.
۱۹. مرعشی، محمدحسن، ۱۳۷۳، دیدگاههای نو در حقوق کیفری اسلام، تهران، نشر میزان.
۲۰. موسوی بجنوردی، محمد، ۱۳۷۹، قواعد فقهیه، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، موسسه چاپ و نشر مروج، چاپ سوم.
۲۱. مرعشی، محمد حسن، ۱۳۷۰، « دیه و ضرر و زیان‌های ناشی از جرم » مجله قضایی و حقوق دادگستری

ش ۱.

۲۲. میشل لوراسا، ۱۳۷۵، مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتری، تهران، نشر حقوق دان.
۲۳. نقیبی، سیدابوالقاسم، ۱۳۸۶، خسارت معنوی در حقوق اسلام و نظام های حقوقی معاصر، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول.
۲۴. ابن ادریس الحلّی، محمد، ۱۴۱۰ ق، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، (سلسله الینایع الفقهیه) بیروت، موسسه فقه الشیعه، الدار الاسلامیه.
۲۵. ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۰۸ ق، نسقه و علق علیه و وضع فهارسه علی سیری، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۶. انصاری، مرتضی، ۱۲۸۶ ق، المکاسب، چاپ سنگی، طهران [بی نا].
۲۷. الحر العالمی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۲ ق، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه مع تعلیقات تحقیقیه ابی الحسن الشیرازی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۸. حسنی، محمود نجیب، علاقته السببیه فی قانون العقوبات [بی جا: بی نا، بی تا]
۲۹. الحلّی، حسین، ۱۴۱۵ ق، بحوث فقهیه [بی جا]، موسسه المنار.
۳۰. الخراسانی، محمد کاظم، ۱۴۱۴ ق، کفایه الاصول، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
۳۱. موسوی خمینی، روح الله، ۱۴۰۴ ق، تحریر الوسیله، بیروت [بی نا].
۳۲. موسوی خمینی، روح الله، ۱۴۱۰ ق، الرسائل، قم: موسسه اسماعیلیان.
۳۳. خوئی، ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، بیروت: دارالزهراء [بی تا].
۳۴. خوئی، ابوالقاسم، ۱۴۱۲ ق، مصباح الفقاهه، بیروت: دارالهادی.
۳۵. راغب الاصفهانی، ابی القاسم الحسین بن محمد، ۱۴۰۴ ق، المفردات فی غریب القرآن، [بی جا]، دفتر نشر، الکتاب.
۳۶. سعید، مقدم، ۱۹۸۵ م، التعویض عن الضرر المعنوی فی المسئولیه المدنیه، دراسه مقارنه، بیروت، دارالحدائث للطباعه و النشر و التوزیع.
۳۷. سنهوری، عبدالرزاق احمد، ۱۹۵۴ م، مصادر الحق فی الفقه الاسلامی، بیروت، منشورات محمد الدیه.
۳۸. سنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، بیروت، داراحیاء التراث العربی، [بی تا].
۳۹. شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالك الافهام، قم، دارالهدی، [بی تا].
۴۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه، به تصحیح و تعلیق محمد کلانتر [بی جا]، منشورات جامعه النجف الدینیّه، چاپ اول، [بی تا].
۴۱. عاملی غروی، جواد، ۱۳۲۴ ق، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، قاهره: [بی نا].
۴۲. علامه حلّی، ۱۳۷۳، تذکره الفقها [بی جا]، اسماعیلیان.
۴۳. فاضل مقداد، جمال الدین، ۱۴۰۴ ق، التنقیح الرائع لمختصر الشرایع، قم، کتابخانه آیة الله المرعشی.
۴۴. فاضل اصفهانی، ۱۴۰۵ ق، کشف اللثام، قم، منشورات مکتبه آیة الله العظمی مرعشی نجفی.

۴۵. الضراء الحنبلی، ابی العلی محمد بن الحسین، ۱۴۰۳ ق، الاحکام السلطانیه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۴۶. مجلسی، محمد باقر، مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول (تهران: دارالکتب الاسلامیه) چاپ دوم.
۴۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۱۱ م، القواعد الفقهیه، قم، مدرسه الامام امیرالمومنین علیه السلام.
۴۸. الموسوی البجنوردی، حسن، ۱۳۸۹ ق، القواعد الفقهیه، نجف، مطبعه الادب.
۴۹. نجفی، محمدحسن، ۱۳۶۷، جواهر الکلام، تهران، المکتبه الاسلامیه.
۵۰. النجفی الخوانساری، موسی بن محمد، ۱۴۱۸ ق، منیته الطالب فی شرح المکاسب، تقریرات درس محمد حسین النائینی، قم، جماعه المدرسین بقم المشرفه، موسسه النشر الاسلامی.
۵۱. نراقی، احمد بن محمد مهدی، ۱۲۴۵ ق، عوائد الایام، چاپ سنگی [طهران، بی نا].